



انترناسیونال ۴۱۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۱ تیر ۱۳۹۰، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

معنای فرصت تاریخی!

متن سخنرانی در پلنوم ۳۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



مصطفی صابر

اتفاقاتی که بین دو پلنوم (اوائل دسامبر ۲۰۱۰ تا اوائل ژوئن ۲۰۱۱) افتاد حرکت تاریخ جهان را بنوعی دارد تغییر میدهد. حمید تقوایی در مورد اهمیت جهانی و تاریخی این تحولات صحبت کرد. من میخواهم بیشتر از زاویه حزب خودمان، برخورد و احساس مان نسبت به این وقایع صحبت کنم.

فقط به خاطراتان می آورم که در پلنوم قبلی ما داشتیم در این باره صحبت میکردیم که کمپین دفاع از سکینه محمدی آشتیانی چه موفقیت های بین المللی کسب کرده است، چطور ما یک سیاست نوینی را در سطح جهانی مطرح کردیم و یک خط رادیکال در برخورد به جمهوری اسلامی را در دستور سیاست جهانی قرار دادیم. ما واقعا این کار را کردیم. هرچند خود کمپین سکینه" بدرجه ای خوابید و خاموش شد، اما آن تاثیری که در رادیکال کردن فضا علیه جمهوری اسلامی داشت همچنان ادامه پیدا کرد. تا قبل از آن غرب و اروپا فقط داشتند سر "مساله هسته ای" به جمهوری اسلامی فشار می آوردند اما بعد دیدیم که از "مساله حقوق بشر" تا "تحریم مقامات" و غیره وارد شد. ما در پلنوم قبل از همین درجه تغییری که در سیاست جهانی بوجود آورده بودیم شاد و سر حال بودیم و آنرا بدرست پیشروی سیاست های حزب میدانستیم. اما در فاصله دو پلنوم اتفاقاتی افتاد که نه یک گوشه بلکه تمام سیاست جهانی را تحت تاثیر خود قرار داد. کارهایی کرد که اگر ما میخواستیم به نیروی حزب خودمان انجام دهیم (هرچند کارهایی که ما حول

صفحه ۳

علیه اسلام سیاسی

گفتگوی کانال جدید با مریم نمازی



سیاسی بوده است. پای صحبت مریم نمازی نشستیم ایم تا در کل نظراتش را در اینمورد جویا شویم. مریم نمازی به برنامه ما خوش آمدید. مریم نمازی: خیلی ممنون. متشکرم.

صفحه ۷

ماه اخیر، از جمله در دانشگاه آکسفورد در پارلمان انگلیس، در "بیرمنگام" و دوبلین ایرلند، و ایتالیا و استرالیا سخنرانی داشته است. در تمام این سخنرانیها و کنفرانس ها، بحث اصلی او مبارزه علیه اسلام

مرسده قانلی: در این برنامه پای صحبت مریم نمازی، یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری نشستیم ایم که فکر می کنم همگان در جریان مبارزه اش بر علیه اسلام سیاسی قرار داشته باشند. مریم نمازی در دو

در محکومیت سیاستهای سرکوبگرانه و تروریستی جمهوری اسلامی علیه مردم عراق

طبق اخبار منتشر شده، جمهوری اسلامی ایران در مجموعه اقدامات ضد انسانی، سرکوبگرانه و تروریستی در مرز ایران و عراق، خسارات جانی و مالی زیادی به مردم این مناطق وارد کرده است. این اقدامات از جانب هر انسان آزاده ای و از جانب همه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی باید شدیداً محکوم شود.

صفحه ۱۲

دمکراسی پیشکش خودتان، مردم زندگی

میخواهند

داود رفاهی، صفحه ۴

صفحات دیگر

دیگه کافیه! بساط لپنهای اسلامی را باید جمع کرد

مینا احدی، صفحه ۱۱

تظاهرات مخالفین رژیم اسلامی در اسلو علیه ابراز

وجود جمهوری اسلامی

صابر رحیمی، صفحه ۱۱

دو خبر از اعتراضات کارگری

صفحه ۱۲

در برابر دستگیریها و تهدید فعالین کارگری

قاطعانه بایستیم

صفحه ۱۰

ایران، گرانی و خشم

صنم مهرانی، صفحه ۱۲

معضل بیکاری و "سیاستهای اشتغال خامنه ای"

شهلا دانشفر

اسلامی، نیروی بیکار زنان در این آمار جایی ندارد. چون به زعم این جانوران جای زن در خانه است و کارش خانه داری. هر سال جمعیت عظیمی از جوانان فارغ التحصیل و آماده به کار، که در آمارهای دولتی حکومت آپارتاید جنسی جمهوری

صفحه ۲

در انتظار محاکمه "عامل اصلی" کهریزک

بهروز مهرآبادی

مکانی است، دستور انتقال دستگیر شدگان را به این مکان صادر کردند و قرار را برای دستگیر شدگان صادر کردند که متناسب با جرم آنها نبود.

صفحه ۹

بازتاب هفته

یک گزارش پزشکی از جنایات مستمر

"باخت در هر صورت" برای جمهوری اسلامی

بهروز مهرآبادی

کمک های میلیاردی خامنه ای به رژیم سوریه

حل مشکل تراکم زندانها به شیوه جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

نه امداد غیبی، نه ظهور، نه اجنه...

یاشار سهنیدی

صفحات ۵-۶

معزل بیکاری و ...

از صفحه ۱



هو پاس است و جمهوری اسلامی راه در رویی ندارد.

سیاستهایی که همانند همیشه و اساسا مشتی سخن توخالی و کلی است و حرف و سخن تازه ای ندارد و در واقع در ادامه تهاجم هر روزه این حکومت به زندگی و معیشت جامعه قرار دارند. اما تفاوت موضوع اینجاست که امروز در شرایط متفاوتی جانان اسلامی ناگزینند از معضلات اجتماعی جامعه سخن بگویند.

همانطور که اشاره کردم موج عظیم بیکارسازی براه افتاده است، جمعیت میلیونی مردم بیکارند، فقر و گرانی بیداد میکند، اما در رثوس سیاستهای اشتغال جناب ولی فقیه از ترویج و تقویت فرهنگ کار و تولید و کارآفرینی بعنوان ارزش اسلامی سخن گفته میشود. این سیاست برای اشتغال نیست. این سیاست سفت کردن کمر بندها و کشیدن کار بیشتر از کرده کارگر با مدد گرفتن از بکارگیری و ترویج ارزش های اسلامی شان است. یک بند مهم سیاستهای اعلام شده خامنه ای در طرح اشتغالش، حمایت از بخش های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین است. سیاستی که یک بخش دائمی کار این حکومت بوده است. از جمله همین الان و در همین راستا جمهوری اسلامی تحت عنوان تغییر موادی از قانون کار ضد کارگری اش تهاجمی دیگر به شرایط کار و معیشت کارگران را در دستور گذاشته است. بطور مثال یک بند مهم طرح تغییرات در قانون کار جمهوری اسلامی، سپردن مدت ساعات کار روزانه کارگر به توافق کارگر و کارفرماست. معنی آن بسادگی وادار کردن کارگر به کار تا آخرین رمقی که در بدنش باشد، برای اینکه بتواند در برابر این فقر و گرانی و با این دستمزد سه بار زیر خط فقر، بقای خود و خانواده اش را حفظ کند. معنی آن جاری کردن شرایط بردگی مطلق کار در محیط های کاراست. به همین معنی در پشت سیاستهای

اشتغال خامنه ای و تاکیداتش بر حمایت از بخش خصوصی از طریق تغییر در قوانین، چنین طرحهای جنایتکارانه ای قرار دارد.

بند دیگری از سیاستهای اشتغال اعلام شده از سوی خامنه ای در واقع تاکیدی است بر تداوم طرح هدفمند کردن یارانه های حکومت، تحت عنوان پرداخت یارانه و حمایت از سرمایه گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش های خصوصی و تعاونی. موضوعی که از همان آغاز محور اصلی تبلیغی طرح هدفمند کردن یارانه ها، این طرح ریاضت اقتصادی جمهوری اسلامی بود و از آن بعنوان راهی برای فراهم شدن شرایط ایجاد اشتغال در جامعه و شکوفا شدن اقتصاد سخن ها گفتند. طرحی که نتیجه عملی و بن بست آن را نیز تا همین الان به روشنی میتوان دید. و عملا به تعطیل کشیده شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، گسترش بیکارسازیها و بالا کشیدن پولهای کلان و دزدی های بیشتر در درون حکومت و در سطوح مختلف مقامات دولتی را بدنبال داشته است. بطوریکه در پرتو این آشفته بازار سرمایه داران بسیاری به بهانه گرانی سوخت، شروع به بیکارسازی کرده اند. کارخانجاتشان را بحال تعطیل درآورده اند. دستمزد کارگر را بالا کشیده اند و حمایت دولت را نیز همچنان پشت سر خود دارند. بن بست آسکار که در دعوای درون حکومت و به جان هم افتادن هایش به روشنی نمودار است. از جمله در همین هفته محمد رضا با هنر از مقامات حکومتی در نقد وعده ی احمدی نژاد در آغاز همین سال جاری مبنی بر ایجاد دو و نیم میلیون فرصت شغلی و هزینه ۴۰۰ میلیارد دلاری تحقق چنین کاری و غیر عملی بودنش سخن گفت. وعده هایی که خودشان در دعوایشان آنها را طنزهای غم انگیز میخوانند.

طبعاً یک تاکید مهم دیگر سیاستهای اشتغال خامنه ای اشاره بر مساله دسترسی به بازارهای خارجی کالا و غیره است. بهبود رابطه با غرب و جذب سرمایه های جهانی به بازار ایران، آرزویی است که این حکومت در طول سی و سه حاکمیتش در سر پروراند است و هم اکنون بیش از پیش شکست و بن

بست این رژیم را در این عرصه نیز میتوان دید. و امروز به یمن اعتراضات گسترده مردم، بویژه به یمن اوج جنبش انقلابی مردم در سال ۸۸، جمهوری اسلامی در سطح جهانی بیش از هر وقت در انزوا قرار دارد.

بدین ترتیب آشکار است که سیاستهای اشتغال خامنه ای نه طرحی برای پاسخگویی به کوچکترین نیاز کارگران و مردم جامعه، نه طرحی برای پرداخت بیمه بیکاری مکفی و تامین زندگی انسانی برای خیل عظیم بیکاران بلکه طرحی برای فلاکت بیشتر کارگران و کل جامعه است. طرحی است که در واقع بیش از پیش بن بست این رژیم را نشان میدهد. رژیمی که با بحران سیاسی زاده شده و از همین رو اقتصاد فلج است و برای برون رفت از آن راه حلی اقتصادی ندارد. رژیمی که مردم در کمین فرصتی هستند که کارش را یکسره کنند و هیچ طرح و سیاستی نمیتواند راه نجاتی برایش باشد.

پاسخ سیاستهای اشتغال خامنه ای را باید با اعتراض سراسری داد.

هزاران کارگری که امروز در معرض بیکارسازی هستند، نیروی عظیمی هستند که بهمراه خانواده هایشان میتوانند صف اعتراض گسترده ای را در شهرهای مختلف شکل دهند و با تجمعات خود و با اعتصابات اختاری خود این تهاجمات را سد کنند. دهها مرکز کارگری که هر روز در این شهر و آن شهر در اعتراض و مبارزه هستند میتوانند با تماسی مستقیم با یکدیگر به استقبال اعتصابات سراسری در سطح شهرها بروند و کل یک شهر را به حرکت درآورند. و بالاخره اینکه پاسخ بیان روشن و شفاف خواسته هایمان است. بیکارسازیها باید فوراً متوقف شود. همه کارگران بیکار و افراد آماده بکار باید از بیمه بیکاری مکفی و یک زندگی انسانی برخوردار باشند. پاسخ تبدیل این خواستها به پرچم مطالبات فوری مان و ایستادن در مقابل تهاجمات هر روزه این حکومت است. پاسخ نبردی جبهه به جبهه با این رژیم فقر و فلاکت و پایان دادن به این جهنم سرمایه داری اسلامی است.

محیط های کار قربانی میگیرد

دچار سوختگی شده اند و خوشبختانه باعث مرگ هیچ کدام از آنها نشد.

جانباختن دهها کارگر شاغل در صنعت نفت

در خبرهای این هفته در باره ناامنی محیط کار آمده است که وقوع حوادث گوناگون در پالایشگاه های ایران در یکسال و نیم گذشته جان بیش از ۵۰ تن از کارکنان صنایع نفت ایران به دلیل فرسودگی تجهیزات و نبود ایمنی در محیط کار گرفته است.



انفجار دیگری در پالایشگاه تهران ۳ نفر را مجروح کرد

در خبرهای این هفته آمده است که هنوز پانزده روز از حادثه سقوط جرثقیل در بخش طرح توسعه پالایشگاه تهران که منجر به کشته و زخمی شدن ۴ تن از کارکنان این پالایشگاه شد نگذشته که خبر رسید روز ۲۲ تیر نیز به دلیل انجام تعمیرات در سوئیچ برق یکی از واحدهای پالایشگاه نفت تهران، سه نفر از کارکنان این مجموعه نفتی

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



بورژوازی بود که منصور حکمت با سقوط شوروی آنرا مطرح کرد. بیان اجتماعی و عظیم پایان آن نوع کمونیسم بود. تا آنجایی که ما با آن نوع چه هنوز خط تماسی داشته باشیم طبعاً آن شور و هیجان و قاطعیت سیاسی لازمه را که اشاره کردم نمی‌گیریم. لذا باید برای کنار گذاشتن بقایای سنت‌های عملی و پراتیکی آن نوع چه بیشتر تلاش کرد. این بحثی است که در پلنوم‌های گذشته در مورد آن صحبت کرده‌ایم و باید بازم صحبت کنیم. نکته دوم و مهم دیگر در توضیح واقعیت حزب ما این است که همه انقلابات عظیم دنیا، دوره‌های انقلابی، همه چیز را عوض کرده است. وقتی تاریخ مارکسیسم را می‌خوانید می‌بینید که انقلاب‌های ۵۰-۱۸۴۸ و انقلاب کمون، مارکسیسم را عوض می‌کند، آنرا تدقیق و تصحیح می‌کند. اگر مقدمه‌ای که مارکس و انگلس بعد از ۲۵ سال بر مانیفست کمونیست نوشتند را بخوانید، نکاتی را که فکر می‌کنند باید تغییر یابد ناشی از تجارب انقلاب‌های ۵۰-۱۸۴۸ و کمون پاریس است. این پدیده یک مقدار شامل حال ما نیز می‌شود. این انقلابات عظیم که جریان دارد مارکسیسم روشنتر، عملی‌تر و پراتیک‌تر، مارکسیسم نفوذ کننده‌تری را در برابر ما قرار می‌دهد. در این زمینه فکر می‌کنم باید بیشتر کار کنیم. نکته سوم و باز هم مهم، این واقعیت است که انقلاب ۸۸ در ایران نیمه‌کاره مانده و باید به پیش رانده شود. این نیمه‌کاره ماندن انقلاب ۸۸ هم به سهم خود می‌تواند توضیح دهد که چرا ما آن هیجان و اعتماد به نفس و روحیه ناشی از اینکه جنبش مان در حال پیشروی هست را نداریم. ولی عامل اصلی که می‌تواند در روحیه و برخورد ما به انقلابات حاضر تاثیر داشته باشد هنوز هیچکدام اینها نیست.

صفحه ۴

بگیرید همینطور است. مثلاً نقد زنده ای که منصور حکمت بر بردگی مزدی گذاشت. اعتراض به اینکه ۳۰ سال با بدبختی برای دیگران جان بکنید و آخر سر نهمید برای چه زندگی کرده‌اید را امروز در همان خیابانهای قاهره و مادرید و از زبان دختران و پسران مصری و تونسوی و جوانانی که "انقلاب تویتری" راه انداختند می‌شنوید. می‌خواهم بگویم پرچم این جنبش و انقلابات را ما از قبل برافراشته بودیم و خواست و جهت‌اش را به میزان زیادی تئوریزه کرده‌ایم.

اما نکته اصلی که می‌خواهیم تاکید کنیم این است که آیا آنقدر که باید و شاید ما نسبت به این اوضاع احساس شور و غرور داریم؟ آیا آنقدر که باید خودمان را در حال تعرض می‌بینیم؟ جنبش اجتماعی که ما به آن تعلق داریم بطور واقعی طغیان کرده است، انقلاب کرده و دارد دنیا را عوض می‌کند، ولی آیا ما برای مثال به همان اندازه پیشروی‌های "کمپین سکینه" به شور و هیجان آمده و احساس پیشروی کرده‌ایم؟ یک وقتی ما جریان "پوپولیستی" را در چپ ایران نقد کردیم و به عقب راندیم، بسیاری کسانی که اینجا هستند از آن دوره اند و بخاطر می‌آورند که همه چقدر فعال بودیم و هرکس یک گوشه کار را می‌گرفت. آیا الان که جنبش ما در دنیا راه افتاده و تاریخ را دارد عوض می‌کند، به همان اندازه دوره مبارزه با پوپولیسم همه ما پرشور و پر هیجان هستیم و با تمام قوا کار می‌کنیم؟ حتی مقایسه کنید با دوره تعرض ما به دوم خرداد و کنفرانس برلین و اشتیاقی که در آن دوره داشتیم. بنظر من ما آنطور که باید و شاید خودمان را در حال تعرض نمی‌بینیم. این یک مساله واقعی است و امیدوارم که با بحث‌هایی که در این پلنوم می‌کنیم خودمان، یعنی جنبش و حزبمان را بیشتر در حال تعرض ببینیم.

می‌خواهم خیلی خلاصه تعبیر خودم را بگویم که چرا ما آنطور باید و شاید خودمان را در حال تعرض نمی‌بینیم و با تمام قوا کارها را پیش نمی‌بریم. یک دلیل اساسی آن این است که این انقلابات پایان یک نوع چپ بود. (حمید هم این را توضیح داد.) پایان قطعی همان کمونیسم و سوسیالیسم

است در اساس خود جز کمونیسم به معنای اجتماعی و وسیعش چیز دیگری نیست. طرف نه دمکراسی بازار آزادی می‌خواهد - دارد می‌گوید که رویاهایش از صندوق رای بیرون نمی‌آید - و نه هیچ تعبیر دیگری از دمکراسی. (این نکته را حمید توضیح داد.) درست است که شعار دمکراسی را مطرح می‌کند اما وقتی معنی‌اش می‌کند می‌بینید که منظور سوسیالیسم است آنهم به تعبیر مارکس. آزادی را به مفهوم رهایی بشر می‌خواهد. صرفاً منظور آزادی حقوقی و آزادی سیاسی نیست. بلکه آزادی وسیع و همه جانبه نوع مارکس و منصور حکمت را می‌خواهد.

این اتفاقی است که افتاده و دارد تمام جهان را عوض می‌کند. برای مثال شما به همین سخنرانی‌های یکی دو هفته اخیر "اویاما" دقت کنید فشار این انقلابات را می‌بینید. مجبور است که به اصطلاح "زبان کوچیکه" را بکار ببندازد، مجیز این حرکات را بگوید، حتی بگوید "این فرصتی است برای ما"، یعنی قبولش بکند تا مگر بتواند مهارش کند. دوره‌ای که "بوش" می‌آمد و میگفت "هرکس با ما نیست علیه ماست" و برای دنیا رجز می‌خواند، تمام شده است. حالا اویامایی هست که باید مثل شاه که گفت "ما صدای انقلاب شما را شنیدیم" صحبت کند. بگوید: "ما فهمیدیم شما یک چیزهایی می‌خواهید و سعی می‌کنیم خودمان را با شما منطبق کنیم". ولی آن کسی که به خیابان آمده است دیگر فریب این حرف‌ها را نمی‌خورد. او روشن است و دنبال چیزهای دیگری می‌گردد. چیزهایی که ما قبلاً آنها را مطرح کرده‌ایم. منصور حکمت گفته است. بحث‌های منصور حکمت در مورد دمکراسی را بخوانید می‌بینید پرچم همین جنبش‌ها و انقلابات جاری است. چه کسی آمد و گفت که هیچ نوع دمکراسی قبول نیست، گفت باید بگوییم "آزادی" و هر تعبیر از دمکراسی محدود است و خواسته‌های آزادیخواهانه مردم را نمایندگی نمی‌کند؟! چه کسی ناسیونالیسم را عمیقاً نقد کرد و توضیح داد که ارتجاعی و ضد بشری است و دوره‌اش تمام شده است؟! هر جنبه‌ای از این انقلابات را در نظر

از صفحه ۱

انقلابات خیلی فعال هستند و جنبش برابری طلبی زنان دارد جلو می‌آید. کارگرانی هستند که برای دستمزد بهتر و شرایط بهتر و یک دنیای بهتر آمده‌اند. این اواخر که موج انقلابات و خیزش‌های توده‌ای به اسپانیا و یونان و فرانسه رسید، در اسپانیا حرف‌هایی زده شد که تا بحال جز از زبان امثال منصور حکمت نشنیده بودیم. برای مثال جوانان پلاکادر بلند کرده بودند که "رویاهای ما از صندوق رای بیرون نمی‌آید!" با جوان دیگری مصاحبه می‌کنند در همان میدان آفتاب مادرید که چرا شما به اینجا آمده‌اید؟ او جواب می‌دهد: "ما اینجا علیه دیکتاتوری بازار جمع شده‌ایم." صحبت‌هایی که فقط می‌توانند از آن کمونیسم باشد، کمونیسم مارکس، کمونیسم منصور حکمت.

شاید بشود در این وقایع آن بحث منصور حکمت در سمینار اول کمونیسم کارگری (۱۹۹۰) که بر "جدایی کمونیسم از پایه اجتماعی‌اش" تاکید میکرد را روشنتر دید. شما در این انقلابات اینرا به آشکارا می‌بینید که یک جنبش واقعی کمونیستی، جنبشی برای تغییر پرولتری دنیا شروع شده است اما آنچه کمونیسم شناخته میشود ربطی به این ماجرا ندارد. این حرکات توده‌ای و انقلاباتی که شروع شده است از هیچ طبقه‌ای جز طبقه کارگر ساخته نیست، آرمانهایش از طبقه دیگری جز طبقه کارگر نیست. (طبقه کارگر به معنایی مارکسی آن منظوم است.) جنبش عظیمی با این مشخصات در بسیاری کشورها به راه افتاده است، اما آن کسانی که خود را "کمونیست" می‌نامیدند هیچکدام در آنها نیستند و در عوض سردمداران این حرکات و انقلابات معمولاً جوانهایی هستند که خودشان را اصلاً کمونیست نمی‌دانند! چرا که از نظر اینها کمونیسم در واقع همان "کمونیسم بورژوازی" است که منصور حکمت آمد و نقد کرد و نشان داد دوره‌اش تمام شده است. و چون اینها نمی‌خواهند با آن نوع کمونیسم تداعی شوند در نتیجه اصلاً خودشان را کمونیست نمی‌دانند. ولی این حرکاتی که راه افتاده

معنای فرصت تاریخی...

نجات سکینه انجام دادیم بنوعی شمره انقلاب ۸۸ مردم ایران علیه جمهوری اسلامی بود) و یا به نیروی فعالیت احزابی نظیر ما صورت گیرد، اگر صد هزار سال هم تلاش می‌کردیم آن تغییرات بوجود نمی‌آمد! برای نمونه اینکه در اثر این تحولات "گفتمان انقلاب" وارد سیاست جهانی شد و همه سیاستمداران مجبور شدند که بگویند انقلاب شد و مردم دارند انقلاب می‌کنند، خود واقعه عظیمی است که در فاصله این دو پلنوم اتفاق افتاد. اواخر دسامبر که انقلاب تونس شروع شد و بعد ژانویه که انقلاب به مصر رسید فضای عجیبی بود. صبح بیدار میشدید و میدید جای انقلاب شده و یا جای دیگری مردم دیکتاتور را فراری داده‌اند. تندبادی در سیاست دنیا براه افتاد که هیچکس، هیچکس تا یک ماه پیش از آن هم تصورش را نمی‌توانست بکند. دنیا و سیاست دنیا عوض شد، مسیر تاریخ عوض شد. خطی ارتجاعی که ۳۰ سال قبل‌اش در سیاست جهانی پیش میرفت به عقب رانده شد و حرکت تازه‌ای شروع شد که کاملاً متفاوت است با جهت و حرکت قبلی. حمید در این مورد مفصل صحبت کرد و من فقط به همین اشارات اکتفا می‌کنم. (به ضمیمه انترناسیونال ۴۰۹ سخنرانی حمید تقوایی رجوع کنید.)

نکته اینجاست این جنبشی که در سطح جهانی شروع شده است، جنبش ماست، یعنی نه جنبش ناسیونالیستی است، نه دست اسلامی‌هاست، نه ناسیونالیسم جهان‌سومی و "ضد امپریالیستی" است، و نه حتی چپ دهه ۶۰ و ۷۰ اروپاست. شما همه سنت‌های سیاسی شناخته شده فعال در دهه‌های اخیر را در نظر بگیرید، این حرکت و انقلاباتی که راه افتاده به هیچکدام اینها تعلق ندارد. جوان تحصیل کرده‌ای است که آمده گفته بیکارم و در اعتراض خودش را آتش زده و به دنبال آن انقلابی راه افتاده که دیکتاتورها را سرنگون کرده است. زنانی هستند که به میدان آمده‌اند و برابری می‌خواهند. (نمی‌دانم چقدر حتی برای مثال "الجزیره" را دنبال کرده‌اید، می‌بینید زنان در این

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

دمکراسی پیشکش خودتان، مردم زندگی میخواهند

داود رفاهی

رسانه‌های گروهی عمده بین المللی که اساسا در کنترل حکومت‌های کشورها میهد دمکراسی قرار دارند، از انقلابات و اعتراضات مردم در کشورهای عربی زبان و شمال آفریقا، داستان خود را دارند. آنها شب و روز مشغول گفتن و باز گفتن این هستند که مردم چون خواهان دمکراسی هستند، دست به اعتراض میزنند. البته ناگفته نماند که دمکراسی‌ای که این رسانه‌ها برای مردم معترض این کشورها میخوانند، هیچ شباهتی هم به نوع غربی آن که در کشورهای اروپایی و شمال آمریکا برقرار است ندارد. آنها هندوستان را بزرگترین دمکراسی دنیا نامیدند. کشوری که هر روز صبح در یکی از بزرگترین شهرها و مرکز تجارت و اقتصاد یعنی شهر مومبای (یا بمبئی سابق)، کارگران شهرداری مرده‌ها را از خیابان‌ها جمع‌آوری میکنند، انسان‌هایی که از فقر و بی‌غذایی شب را به صبح نرسانده‌اند. جانی که اکثریت عظیم مردمش در فقر مطلق زندگی میکنند و جانی که درصد بالایی از

حالا خیلی زیاد خوشبینانه به ماجرا نگاه کنیم و فرض بر این بگیریم که این رسانه‌ها نوع غربی دمکراسی را برای مردم کشورهای معترض میخوانند. مگر این دموکراسی‌ها چه دسته‌گلی به سر مردم زده‌اند؟ درست است که در این دموکراسی‌ها مردم از حقوق بیشتری برخوردارند تا دیکتاتوری‌های مطلق

از صفحه ۱

چنین احساسی نداریم که قرار است برویم و دنیا را عوض کنیم. جنبش واقعی دارد اینرا میگوید اما ما که رهبران و پیشتازان فکری آن بوده ایم چنین احساسی نداریم. چرا؟ چونکه میدانیم خیلی کار سختی است که این انقلابات برود قدرت سیاسی را بگیرد و جامعه را واقعا عوض کند. و الان این انقلابات را در آن موقعیت نمی‌بینیم. این مساله جدی است و باید به آن پاسخ بدهیم. حزب کمونیست کارگری ایران باید به این مساله پاسخ بدهد. اگر میخواهد به مسائل واقعی دنیای خودش پاسخ بدهد، باید به این مساله پاسخ بدهد که این انقلابات را چطور پیروز کند. همه این تحرك و پیشروی‌های شورانگیز حول این انقلابات درست اما آنچیزی که امثال مرا با تمام قوا به میدان می‌آورد این است که بدانم چطور میشود این انقلابات را پیروز کرد. طبعاً ما شاخه مصری حزب مان را نداریم و یا در اسپانیا نیستیم، در تونس نیستیم و دستان به آنجا بند نیست، ولی دستان به ایران که بند هست!

و خودکامه نوع سوریه و لیبی و مبارک و جمهوری اسلامی در ایران. اما سوال اینست که آیا تمام حقوق و آزادی‌ای که مردم میخواهند و سزاوار داشتن هستند همین است؟ مگر در همین کشورهای اروپایی غربی مردم بطور روزانه در خیابان‌ها معترض به سیاست‌های حکومتشان نیستند؟ مگر مردم برای حفظ آن حداقل امکانات رفاهی که سالیان سال برایش مبارزه کرده‌اند، روزانه دست به اعتراض نمی‌زنند؟ مگر پاسخ نیروهای امنیتی و پلیس این دموکراسی‌ها به مردم معترض غیر از باتون و سپر و گاز اشک‌آور و گاز فلفل است؟

بار بحرانی که خودشان یعنی حکومتی‌ها و موسسات مالی و بانک‌ها بوجود آورده‌اند را چرا باید مردم شریفی که جز زحمت کشیدن و کار کردن سهمی در آن نداشته‌اند را بدوش بکشند؟ مردم این دموکراسی‌ها چه خطا و گناهی کرده‌اند که باید از کار بیکار شوند، دستمزدهایشان کاهش یابد، مالیات بیشتری بپردازند، سن بازنشستگی‌شان افزایش یابد، امکانات تفریحی و آموزشی و بهداشتی‌شان تقلیل یابد و آینده خود

اگر در ایران ما قدرت را بگیریم، اگر در ایران کمونیسم پیروز شود، اگر پیشروی مردم ایران، انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی معنی‌اش این باشد که کمونیستها به قدرت می‌رسند و یک حکومت سوسیالیستی و کمونیستی با هر اسمی که میخواهد بر آن بگذارید برپا میشود، و اگر این به یک‌الگو و راهنما برای بقیه مردم دنیا میشود، آنوقت ما کاری که در ظرفیت تاریخی خودمان میتوانستیم انجام داده‌ایم. آنوقت میشود مطمئن بود که اگر چنین الگویی را جلوی جوان مصری، جوان تونس و کسی که در میدان "آفتاب" مادرید جمع شده قرار دهیم، بلافاصله خواهد گفت "همین است!" "همین را من میروم میسازم." باز یادش بخیر منصور حکمت یک بحثی داشت که اگر کمونیست‌ها در تهران به قدرت برسند یا بروند یک جایی را بگیرند، آنوقت کمونیسم بر میز سیاست جهان قرار میگردد. من میخواهم حالا اینرا بگویم که پیش از آنکه کمونیسم یا حزب کمونیست کارگری در ایران جایی قدرت را بگیرد، خود آن جنبش اجتماعی کمونیسم از هر گوشه جهان

و فرزندان‌شان در پرده‌ای از ابهام قرار بگیرد؟ مردم اگر هم از دموکراسی حرف میزنند، منظورشان مثل این رسانه‌ها نظام پارلمانی نیست که فقط بتوانند هر چهار سال یکبار رای‌شان را به صندوق بیندازند. منظورشان تأمین یک زندگی انسانی، آزادی، رفاه، امکانات بهداشتی و درمانی کافی، امکانات آموزشی مکفی و دستیابی به همه آن چیزهایی است که در خور انسان قرن ۲۱ است.

نخیر، ما دموکراسی نمیخواهیم. ما جامعه‌ای میخواهیم که مردم خودشان، سرنوشتشان را بدست بگیرند. جامعه‌ای که در آن مردم در رفاه و سعادت و شادی و بدون دغدغه از آینده‌شان زندگی میکنند. ما دموکراسی نمیخواهیم، نظامی که در آن مردم فقط اختیار انتخاب بین چند تا از احزابی که نماینده موسسات و شرکت‌های بزرگ مالی هستند، را داشته باشند و چنانچه حتی به خطای رای خود پی ببرند، باید تا چهار سال یعنی انتخابات بعدی منتظر بمانند تا به یکی دیگر از آن احزاب رای بدهند. ما دموکراسی نمیخواهیم، نظامی که در آن به اصطلاح انتخاب

دارد می‌جوشد و فی الحال خیلی چیزها را بر میز سیاست جهان قرار داده است. و در عین حال اینرا هم صدبار بیشتر ثابت میکند که چقدر برای پیروزی این جنبش در سطح جهانی ضروری و حیاتی است تا در یک جایی نظیر ایران نمونه پیشروی تا به آخر این جنبش را نشان دهیم. نه اینکه فقط دیکتاتور را پایین بکشد، مثل مصر، بلکه برود آن حکومت انسانی، بشری، کمونیستی یا هر اسمی را مستقر کند که آزادی را به همان معنایی که جوانان میدان آفتاب مادرید میگویند متحقق میکند. برابری را به همان معنایی که آن دختر فعال بحرینی (در گفتگویی در "الجزیره") میگوید متحقق میکند. و بردگی مزدی را میبرد که الغاء کند. اینکه آدم‌ها با وجود اینکه سالها هم درس خوانده هنوز بیکار است و بعنوان اعتراض خودش را آتش میزند، این وضع را

شوندگان، بمدت چهار سال حاکم باشند و مردم به ناچار مطیع و فرمانبردار آنها باشند. و چهار سال بعد هم ناچار باشند یکی دیگر از همین قماش احزاب را برای حکومت برخودشان انتخاب کنند. در انگلستان در جریان حمله نظامی آمریکا و انگلیس به عراق، پاسخ مقامات حکومتی به مردم معترضی که در خیابانها دست به راه پیمائی زده بودند این بود که: "مگر شما ما را انتخاب نکرده‌اید، پس ما تصمیم میگیریم چکار بکنیم." ما دموکراسی نمیخواهیم، نظامی میخواهیم که بر اساس شورا‌های مردم استوار باشد، شورا‌هایی که هر آن مردم اراده کنند بتوانند آن را عوض بکنند و لازم نباشد بمدت چهار سال منتظر بمانند. نظامی که مساله‌اش تأمین احتیاجات مردم باشد و نه بانک‌ها و موسسات مالی و تجاری. جامعه‌ای که تولید در آن برای رفع احتیاجات انسانها باشد و نه برای تولید سود بیشتر. هر کس به سلیقه خود هر اسمی میتواند برای این نظام قائل باشد، ما این جامعه را جامعه انسانی مینامیم.*

عوض میکنند. حکومتی که می‌رود این کارها را میکند. اگر ما این کار را نکنیم و این الگو را ارائه ندهیم این فرصت تاریخی را از دست میدهیم.

برای حزب کمونیست کارگری این "فرصت تاریخی" دیگر ابدا قالب ایرانی ندارد. حالا بطور عینی جهانی شده است. از این سر است که میگویم هنوز آن شور و هیجان لازم را در بین خودمان نمی‌بینم. اگر ما در ایران جمهوری اسلامی را ساقط کنیم و یک حکومت مستقیمی برآمده از اراده انقلابی و خواست مردم، یک حکومت کمونیستی برقرار کنیم یک تاثیر جهانی و تاریخی خواهیم داشت. امیدوارم که در این پلنوم بیشتر به این سمت حرکت کنیم که ما میرویم تا این کار را انجام میدهیم. و باید این کار را بکنیم. مرسى.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

بازتاب هفته

نه امداد غیبی، نه ظهور،
نه اجنه...

یاشار سهندی

پژوهشگر دینی (حجت الاسلام سابق) علم الهدی امام جمعه مشهد معرف حضور همگان است. ایشان کسی است که با دیدن یک تار موی زنان تمام هست و نیست خود و حکومت اسلامی را در معرض تهدید میبیند که فی الواقع هم اینگونه است در جمعی خطاب به پا منبری ها فرموده: با این وضعیتی که پیش میبرد "جان مقام معظم رهبری در تهدید است! خب هر کس نداند میگوید مگر چه خبر است که ایشان از این بابت هم احساس خطر میکنند. ظاهرا که "همه چیز آرومه و بعضی ها خوشحال!" اما چه شده است که ایشان حتی نسبت به جان "مقام عظمای ولایت" بیمناک شده اند؟ شاید بد نباشد دو نقل قول دیگر هم یادآور شوم تا کمکی کند وضعیت را بهتر دریابیم. یکی دیگر از همان جنس امام جمعه در جای دیگری میگوید: ارتباط با اجنه تنها در صورت مجوز ولی فقیه مشروعیت دارد! یکی دیگر از همین سلك آخوندی گفته است: "همه ادیان باید ولی فقیه داشته باشند". اما این نوع سخنان تنها به این دو نفر نیز ختم نمی شود. یکی گفته: اجنه رئیس جمهور دو سال بعد را انتخاب کرده است، دیگری میگوید همین امروز و فردا است که امام زمان ظهور کند. آن دیگر میگوید هر چند علائم ظهور پیدا شده است اما هیچکس نمیداند حضرتش کی می آید. یکی دیگر از بنیان به روایات در مورد ظهور شک کرده است. یکی دیگر میگوید از اجنه میتوان "بهره کشی" کرد اما اجنه حق ندارند اینکار را بکنند. خب. مساله چیست؟ هرکسی میتواند بفهمد که این حکومت دچار سیاست هذیان شده است. به زبان مردم کوچه اینها آب و روغن قاطی کرده اند! همگی یک جورهایی از اجنه یاری میخواهند چون گویا ظهور به وقت سقوط موقوف شده است و این دیگر خیلی دیر است. این هذیان گویی تمام جناحهای حکومت گویای عمق بحرانی است که این حکومت در آن گرفتار است. همدار علم الهدی در مورد "تهدید جان رهبری" اشاره به آشفتگی و تشتت صفوف حکومتیان دارد که هر روز تشدید

حکومت در معرض خطر قرار دارد. تهدید مردمی که سه نسل قبلتر با انقلاب خویش دیکتاتوری را سرنگون کردند و سه نسل بعد انقلابی را مزه مزه کردند و شاهد هستند که مردمانی از جنس خودشان در کشورهای منطقه برای سرنگونی دیکتاتورها به خیابانها آمده اند.*

کمک های میلیاردی خامنه ای به رژیم سوریه



محمد شکوھی

در شرایطی که انقلاب مردم سوریه ادامه دارد و حکومت بشار اسد با وجود بکار بردن وحشیگری روز افزون برای سرکوب انقلاب مردم در تنگنا قرار گرفته است، جمهوری اسلامی حمایت های نظامی و سیاسی خود را از رژیم اسد افزایش می دهد. رسانه ها خبر از موافقت خامنه ای با پرداخت بیش از ۵ میلیارد دلار "کمک اقتصادی" به حکومت سوریه دادند. این اولین باری است که شخص خامنه ای دستور حمایت مالی از رژیم اسد را رسماً و علناً صادر می کند. بلافاصله بعد از اعلام خبر کمک های میلیاردی، سپاه پاسداران هم در نشریه اش اعلام کرد که جمهوری اسلامی در برابر ترکیه از سوریه حمایت می کند. در هفته های اخیر اخبار و اسناد دخالت مستقیم نیروهای بسیج و سپاه در سرکوب اعتراضات مردم در سوریه انتشار یافته است. دیکتاتورهای ایران و سوریه هم سرنوشت و همزاد هم هستند. صدای انقلاب مردم سوریه خامنه ای را هم به وحشت انداخته است. پیروزی انقلاب مردم سوریه می تواند ضربه شدیدی بر اسلام سیاسی در منطقه و مانعی برای دخالت ها و بحران آفرینی رژیم جمهوری اسلامی و متحد استراتژیکش سوریه در منطقه خاورمیانه، بویژه لبنان و سوریه وارد کند. شعارهای مردم بر علیه جمهوری اسلامی و حزب الله در تظاهراتهای میلیونی مردم سوریه سر داده می شود. آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی و حزب الله، شعار نه ایران نه حزب الله، تقریباً در همه تظاهراتهای مردم تبدیل به امری روزمره شده است. مردم و انقلابیون سوری به خوبی می دانند که با دو حکومت وحشی و سرکوبگر طرف هستند که بیش از سه دهه است به

گسترده ترین و وحشیانه ترین صورت هر اعتراض و مبارزه ای را سرکوب کرده اند. رژیم بشار اسد زیر انقلاب مردم کمر خم کرده و در حال خرد شدن است. سرنگونی این حکومت بدست مردم يك امکان واقعی و نه چندان دور بنظر میرسد. خطر سرنگونی حکومت اسد موجب نگرانی جمهوری اسلامی و رهبر آن شده است. از دست دادن این متحد قوی برای رژیم گران تمام خواهد شد. به همین دلیل حمایت سیاسی، نظامی و مالی از رژیم سوریه تبدیل به يك سیاست رسمی خامنه ای شده است. جمهوری اسلامی و رژیم اسد هم دریافته اند که نبض انقلاب های ناتمام شمال آفریقا و خاورمیانه در سوریه تندتر میزند. مردم سوریه الگوی استقامت و مبارزه و ادامه انقلاب شده اند. انقلاب بر علیه رژیم اسد، انقلاب بر علیه جمهوری اسلامی است. به هر اندازه که پایه های حکومت اسد لرزانتر شود، رعشه های مرگ بر پیکر جمهوری اسلامی هم تندتر می گردد. دوررژیم در جبهه ضد انقلاب برای سرکوب انقلاب متحد شده اند. سرنگونی حکومت سوریه ضربه مهلکی بر پیکر اسلام سیاسی و نمایندگانش از جمهوری اسلامی گرفته تا حزب الله و حماس خواهد بود. انقلاب قدرتمند مردم سوریه لریزه بر اندام جمهوری اسلامی انداخته و به همین خاطر است که با وجود بحران اقتصادی و تنگناهای مالی خود سر کیسه را شل کرده و با حمایت همه جانبه از رژیم اسد، سودای به خون کشیدن انقلاب مردم را در سر می پروراند. اما در مقابل، میلیونها نفر از مردم سوریه در سراسر کشور و بیش از چهار ماه است که با صدای رسا اعلام کرده اند که تا سرنگونی حکومت اسد خیابانها را رها نخواهند کرد. قدرت انقلاب مردم همه معادلات داخل سوریه و به عبارتی کل منطقه را به هم ریخته است. جمهوری اسلامی که خود نگران بازگشت دوباره خیزش انقلابی مردم ایران است اینک شاهد روزهای سرنگونی نزدیکترین متحد خود در منطقه است. پیروزی انقلاب مردم سوریه يك گام بسیار مهم و بزرگ در تقویت اعتراض و انقلاب ناتمام مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. انقلاب جاری مردم سوریه علاوه بر به زیر کشیدن حکومت اسد، می تواند تاثیر زیادی بر روند به زیر کشیده شدن جمهوری اسلامی و قطع دست حکومت تروریستها در منطقه داشته باشد.*

حل مشکل تراکم زندانها به شیوه جمهوری اسلامی

وجود چند صد هزار زندانی، وضعیت بد و وحشیانه حاکم بر زندان ها، در کنار کمبود امکانات پزشکی و شیوع بیماریهای واگیردار، عوارض و اثرات شکنجه های جسمی و روحی بر زندانیان، يك امر طبیعی در جمهوری اسلامی است. هزاران زندانی مریض بوده و امکان دسترسی به دوا و درمان را ندارند. رها کردن زندانیان بیمار به حال خود، محرومیت از معالجه، خود بخشی از شکنجه جسمی و روحی و يك ابزار سرکوب حکومت در داخل زندانها است. در یکی دو ماه گذشته بر اثر فشارهای بین المللی و اعتراضات خانواده های زندانیان در مورد وضعیت زندانها، بخش هایی از حکومت به صرافت "انتقاد از وضعیت بد زندانها" افتاده است. در همین رابطه برخی از نمایندگان مجلس رژیم خواهان تعیین کمیسیونی برای بازدید از زندانها و تهیه گزارش برای ارائه به مجلس بر آمدند. بعد از چند ماه کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی، اسماعیلی رئیس سازمان زندانها را به نشست این کمیسیون دعوت کرده و از وی توضیح خواست. اسماعیلی، رئیس سازمان زندانها در گزارشی که به کمیسیون اجتماعی داده، عنوان کرده که خودشان هم از وضع بهداشت در زندانها راضی نیستند! درباره شیوع برخی بیماری ها در زندانها، موضوع را تأیید و گفته است: "وقتی تعداد زندانی های کشور سه برابر ظرفیت موجود است، نمی توانند همه چیز را در کنترل داشته باشند."

در واکنش به این گزارش، جواد زمانی سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس هم روایت خود را از نشست با رئیس سازمان زندانها داده است. اومی گوید: "زندانها بشدت با کمبود پزشک مواجه هستند و اگر این روند ادامه یابد، احتمال رخدادهای ناگوار وجود دارد. وی تأیید کرده که امکانات موجود در زندانها برای ۸۵ هزار نفر در نظر گرفته شده است اما اکنون ۲۳۵ هزار نفر زندانی را در زندانها جا داده اند که این موضوع مشکلاز شده است." اینها اظهارات مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی هستند که ناچار شده اند تنها به يك بخش خیلی کوچک از ابعاد سرکوب و فجایع در زندانها اعتراف کنند. اما ابعاد فاجعه در زندانهای جمهوری اسلامی به مراتب گسترده تر می باشد. آمار اعلام شده از

بازتاب هفته

یک گزارش پزشکی از جنایات مستمر



بهرروز مهر آبادی

که به جای معاینه توسط پزشک توسط بهیار پادگان ویزیت و مسکن تجویز شده است. تاخیر در تشخیص و اقدامات درمانی و جراحی منجر به بروز عوارض و مشکلات فعلی بیمار شده و قصور مسئولین نظامی پادگان مربوطه در این زمینه بدلیل عدم معاینه پزشک در پادگان و تاخیر در اعزام و انجام اقدامات درمانی ... محرز است.

فرزاد اکنون در منزلی کوچک به همراه پدر و مادر سالخورده اش در حاشیه ی ملکشهر اصفهان زندگی می کند. پدر فرزاد از بی عدالتی و بی انصافی صحبت میکند، بجای اینکه فرد مسئول در فلج شدن فرزندش را مجازات کند، به او ترفیع نیز داده اند. ضربات سنگین جمهوری اسلامی نه تنها بر پیکر فرزندش بلکه بر تن و روان او و خانواده اش وارد آمده است. او از تهدیدهایی که شده و از بی اهمیتی جان و وقت مردم در نزد مسئولین جمهوری اسلامی گفته است. "با خانه نشین شدن فرزاد، بیمه اش قطع شده است و با گذشت بیش از ۱۹ ماه نه کمک مالی، نه حق نگهداری از بیمار و نه دیه ای پرداخت شده است. مخارج بطور کل بر عهده خودشان بوده است" و در طول مدت تنها ۷ ماه بیش از ۱۵ میلیون تومان بدهکاری برای خانواده ایجاد کرده است.

وضعیت فرزاد و پدر و مادر او برآستی دردناک است. او که قرار بود در این جامعه فقر زده و بدون تأمینات، امید و پشت و پناه پدر و مادر فقیرش باشد، اکنون به زخمی بر قلب آنها و باری بردوش آنها تبدیل شده است. زیرا سیستم ارتش و نیروهای مسلح حکومت مافیای اسلامی، روال معمولش همین است. این تنها یک نمونه از جنایات بیشماری است که در صورت اقدام پزشکی به موقع قابل درمان کامل بوده است. بر اساس مدارک و شواهد موجود و اظهارات طرفین کوتاهی و سهل انگاری توسط مسئولین مربوطه نسبت به شکایت و علائم بیماری صورت گرفته و از زمان اعلام مشکل کمر درد توسط بیمار تا اعزام بیمارستان چندین روز فاصله افتاده است. بر اساس پرونده بیمارستانی نیز از دو روز قبل از پذیرش بیمارستان اختلال حرکتی و علائم عصبی داشته

حاکم. همه کسانی که بخشی از زیباترین دوران زندگی خود را در پادگان ها و بعنوان سرباز وظیفه گذرانده اند، اثرات این دوران شکنجه آور را بر روان خود دارند و می توانند خاطرات بسیار از انواع شکنجه ها و تحقیر ها بیان کنند. دورانی از زندگی که می بایست زیباترین دوران زندگی باشد، صرف اطاعت کورکورانه از فرمان های احقانه و پوچ و سر خم کردن در مقابل ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین ارزش های قرون وسطانی می شود. در دوران سربازی به افراد می آموزند که زندگی و شخصیت آنها در مقابل قوانین ارتش و فرامین سرگروهبان ها، استوارها و افسران کمترین ارزشی ندارد. سانسور و قوانین جاری، انتشار خبر و یا به بحث گذاشتن وضعیت زجر آور درون پادگان ها و مقر های نظامی را بسیار دشوار می کند. شرح حال فرزاد یکی از هزاران مورد شکنجه و آزار های مستمر و سادیستی درون ارتش و نیروهای مسلح است که بعد از گذشت دو سال به بیرون درز می کند. آنچه که می تواند به این جنایات رسمی و قانونی پایان دهد، بر چیند بساط ارتش، "سربازی اجباری" و قوانین غیر انسانی حاکم بر آن است. حذف نیروی نظامی حرفه ای هم اکنون در چند کشور جهان عملی شده است اما در ایران اینکار نمی تواند بدون حذف جمهوری اسلامی انجام شود.*

"باخت در هر صورت" برای جمهوری اسلامی

مقامات جمهوری اسلامی امتناع خود را از پذیرش گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای ایران، اعلام کردند. ماه گذشته شورای حقوق بشر سازمان ملل احمد شهید، وزیر پیشین امور خارجه کشور مالدیو را انتخاب کرد تا با سفر به ایران گزارشی از وضعیت حقوق بشر تهیه کند و به کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد. در اولین روزهای سال جاری شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه ای را تصویب کرد که طی آن گزارشگر ویژه برای نظارت و گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین شود. مقامات جمهوری اسلامی قبلاً شروطی برای گزارشگر ویژه گذاشته بودند: مرد بودن، مسلمان بودن و غیر عرب بودن.

این شروط هر چند خود مبنای سیاست های ضد زن، ارتجاعی و راسیستی جمهوری اسلامی بود، اما مورد پذیرش سازمان ملل قرار گرفت و گزارشگر ویژه انتخاب شده، سه شرط فوق را دارد. اما با این وجود مقامات رژیم اعلام کردند که حاضر به پذیرش هیچ گزارشگری نیستند. سایت تابناک متعلق به محسن رضائی نوشت: "باید مراقب این موضوع نیز بود که برگزیدن فردی مسلمان، مرد و غیر عرب به تنهایی نمی تواند ملاکی برای منصف بودن وی باشد." صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه رژیم اعلام کرد: "پذیرفتن گزارشگر ویژه حقوق بشر سیاست ما نیست" و معاون کمیته حقوق بشر مجلس اسلامی در اولین واکنش رسمی اعلام کرد: "اجازه ورود این فرد به داخل کشور داده نمی شود."

روزنامه مشرق در مقاله ای روز ۴ تیر ماه درباره تجربه های تلخ جمهوری اسلامی از همکاری با نهاد های بین المللی نوشته است. "طراحی باخت ایران در هر صورت" موضوع بخشی از این مقاله است که ایران چه گزارشگر ویژه را بپذیرد و چه نپذیرد در هر صورت بازنده شود و هر اقدام و انتخابی زمینه ساز افزایش فشارهای سیاسی بر ایران می شود." مقاله روزنامه شرق بخشی هایی از واقعیت را در خود دارد. نقض حقوق بشر و دامنه سرکوب و اختناق در ایران و اعتراض مردم جهان به این امر، بحدی

حل مشکل تراکم زندانها ...

از صفحه ۵

بویژه به بهانه مواد مخدر و سپس خارج ساختن زندانها از شهرها و انتقال به مناطق دور افتاده و اسکان دادن زندانیان در اردوگاههای اجباری می باشد. قرار است دهها اردوگاه برای این منظور احداث گردد. بیش از یک سوم بودجه سال ۱۳۹۰، ردیف مربوط به "هزینه های جاری حکومت" به امر "امنیت"، قوه قضائیه، زندانها و نیروی انتظامی اختصاص داده شده است. خود این رقم گویای برنامه ریزی رژیم برای گسترش ابعاد سرکوب و زندان و ... می باشد. زندان و اعدام یک ابزار سرکوب دولتی برای حفظ حاکمیت می باشند. جمهوری اسلامی بدون زندان و اعدام و سرکوب حتی یک روز هم نمی تواند سرکار بماند.*

اساس سوسیالیسم انسان است!

علیه اسلام سیاسی ...

مرسده قائدی: اولین ستوالم این است که آیا شما به مذهب خوب و بد اعتقاد دارید؟

مریم نمازی: نخیر. وقتی من می گویم همه مذاهب برابرند، عده ای فکر می کنند که می خواهم بگویم همه شان خوب هستند. چون تقریباً این بحثی است که بیشتر مواقع در جوامع می شنویم. اما منظور من این است که همه مذاهب برابرند و بطور برابر بد هستند. بنظر من، هر مذهبی بطور برابر برای انسان بد است. مثالی که همیشه می زنم، این است که مانند دخانیات که ضرر دارد و یک برچسب خطر مرگ رویش می زنند، باید در مورد مذهب هم چنین احتیاطی وجود داشته باشد که مذهب کشتارگر است. در عین حال، می خواهم بگویم که این هیچ ربطی به آدم های مذهبی ندارد. چون آدم های مذهبی یا غیرمذهبی، اکثراً در دنیا خوب هستند و این نه بخاطر مذهب بلکه بخاطر انسانیت خودشان است که خویند.

مرسده قائدی: شما مبارزه تان علیه اسلام سیاسی است. می خواهم ستوال کنم که علیه اسلام است یا اسلام سیاسی؟! چون در بسیاری مواقع در کشورهای اروپایی، نیروها و احزاب راست جوامع، شما را مورد انتقاد قرار میدهند که دارید بر علیه عقیده مردم و اعتقاداتشان مبارزه می کنید. میخواستیم در مورد این مسئله توضیح بدهید.

مریم نمازی: این مبارزه هر دو را شامل می شود. چیزی که من همیشه می گویم، این است که هر مذهبی که قدرت داشته باشد و در قدرت باشد، همین کارها را می کند که الان جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی می کند. خوب، اگر دنیا یک اسلام رام تر می خواهد همانطوریکه مسیحیت رام شده است، باید اسلام سیاسی را در سوراخ بکنند. باید از جامعه و فضای عمومی بیرونش کرده و تبدیلش بکنند به یک مسئله شخصی و خصوصی. یعنی مذهب باید از دولت، آموزش و پرورش و سیستم قضائی بیرون رانده شود. اما چیزی که هست، این است که در هر حال، اسلام، پایه و پرچم اسلام سیاسی است و نمی شود اسلام سیاسی و جنایتش را نقد کرد و به اسلام کاری نداشت. ما باید آن را نقد کنیم. در عین

از صفحه ۱

حال، یک واقعیت این است که نقد اسلام یا اسلام سیاسی، هیچ ربطی به مردمی که باورهای مذهبی دارند، ندارد و به این معنا، یک شخصی میتواند مسلمان باشد و از حق و حقوقش هم دفاع شود. از حق اینکه مسلمان باشد دفاع شود و در عین حال، بتوانیم آزادانه از هر مذهب یا هر عقیده دیگری هم انتقاد کنیم. این یک رکن مهم آزادی بیان است؛ نقد چیزی که مقدس و تابو است و گرنه، آزادی بیان چه اهمیتی خواهد داشت اگر نتوانیم چیزهایی را که مقدس هستند، نقد کنیم؟

مرسده قائدی: مریم نمازی، شما فکر می کنید اسلام سیاسی از چه تاریخی آمده و در کشورهای اسلامی و حتی در اروپا دارد دهان ها را می بندد؟ اسلام سیاسی از چه زمانی اینطور قدرت گرفته است؟

مریم نمازی: بنظرم (در دوره کنونی) از موقعی شاهد رشد اسلام سیاسی معاصر بوده ایم که جمهوری اسلامی انقلاب مردم را سرکوب کرد و توانست قدرت را تثبیت کند. اگر واقعا به تاریخ معاصر نگاه کنیم، می بینیم که این خودش جزو سیاست های دولت آمریکا بوده است که در زمان جنگ سرد در صدد ایجاد یک "کمربند سبز" دور شوروی آن زمان باشد و در واقع، کاری که کردند این بود که نتوانستند با سرکوب انقلابی که چپ بود، اسلام سیاسی را بمیدان بیاورند و در نتیجه در خیلی جاها رشد اسلام سیاسی را شاهد بوده ایم. حتی اگر مسئله تشکیل دادگاههای شریعه در انگلیس را نگاه کنید و من همیشه به آن اشاره می کنم، می بینید که این دادگاهها از اواسط دهه هشتاد بوجود آمدند. با توجه به این، نباید گفت که مردم مسلمان خواهان دادگاههای شریعه هستند. این خواست اسلام سیاسی است. خودمان می دانیم که متصل کردن مسلمانان به مذهبشان و دادن لقب مسلمان به اینها، تنها لقبی نیست که انسانها روی خودشان می گذارند یا دولت ها تلاش می کنند برخی القاب را به آنها بچسبانند. مذهب تنها لقبی نیست که روی خودشان می گذارند یا انتخاب می کنند و دقیقاً می توانیم ببینیم که این ربط دارد به رشد اسلام سیاسی ...

مرسده قائدی: مریم نمازی، وقتی

بحث اسلام سیاسی میان می آید، از آن به فرهنگ هم می رسند؛ و وقتی شما را به سخنرانی دعوت می کنند، در مورد "نسبیت فرهنگی" و فرهنگ مردمی که از کشورهای مسلمان آمده اند، ستوال می کنند. چرا اینها را به همدیگر ربط می دهند؟

مریم نمازی: راستش "نسبیت فرهنگی" هم بعد از پایان جنگ سرد باب شد. در این دوره شاهد هستیم جهانشمولی مردم دنیا از بین می رود و مردمان دنیا را به تابعین "فرهنگ های" مختلف تقسیم می کنند. در این رابطه ما همیشه تاکید کرده ایم که نخیر، اینها جزو فرهنگ مردم نیستند! این فرهنگ اسلام سیاسی و فرهنگی است که جمهوری اسلامی در صدد ترویج آن است و -اتفاقاً- فرهنگ طبقه حاکمی است که می خواهد سرکوب کند و حق و حقوق مردم را از آنها بگیرد. مسئله ای که همیشه به آن اشاره می کنم، این است که وقتی از فرهنگ صحبت میکنیم باید توجه داشته باشیم که در مورد فرهنگ چه کسی بحث می کنیم. در مورد فرهنگ "سکینه محمدی" که می خواهد زنده بماند یا فرهنگ یک رژیمی که می خواهد سنگسارش کند؟ در قرن بیست و یکم می خواهد چاه بکند، یک آدم را در آن چاه بگذارد و با سنگ بکشدش! و بنظر من، مشخص است که این نه فرهنگ سکینه است، نه فرهنگ پسرش و نه فرهنگ اکثریت مردم دنیا که بطور واضحی به خیابانها آمده اند و با انزجار از سنگسار گفته اند که قبولش ندارند. چه در خود ایران و چه خارج از ایران. چیزی که می گویم، این است که در بسیاری مواقع، تلاش می شود "نسبیت فرهنگی" را بعنوان پدیده ای ضد راسیست نشان بدهند ولی واقعیت این است که نسبیت فرهنگی، راسیسم محض است. به این دلیل که می گوید مردمی که در ایران، عراق یا افغانستان زندگی می کنند و یا مردم بااصطلاح مسلمانی که در اروپا هستند، همان حقوق را نباید داشته باشند و شایسته همان آزادی هایی نیستند که مردم مثلاً در خود اروپا دارند. در صورتیکه چیزی که مبارزات مردم در ایران و یا خود "بهار عرب" به هرناباوری نشان داده، این است که مردم آن مناطق مناطق بیشتر از هر کجای دنیا تشنه حقوق انسانی هستند اینها هستند.

مرسده قائدی: یکی دیگر از بحث های شما این است که بعد از مسئله

اسلام سیاسی، اساساً "انسانیت" زیر ستوال رفته است. از جمله خود مسئله "سکولاریسم". چرا فکر می کنید اسلام سیاسی در این جوامع انسانیت را زیر ستوال برده است؟

مریم نمازی: راستش برمی گردد به همان بحث "نسبیت فرهنگی". بر اساس این سیاست، آدم ها دیگر انسان نیستند. یا مسلمانند، یا از این و آن قبیله اند، یا باید "لویا جرگه" به آنها بدهید و یا قوانین شریعه! آدم ها را تقسیم می کنند به مذهب و قبیله و نژاد و غیره. بنظر من، انسانیت و آن حقوق اساسی و جهانشمول انسان ها در این سیاست کنار گذاشته شده و از بین رفته است. یک کاری که جنبش ما بدون اغراق دارد انجام می دهد، این است که ما تلاش می کنیم انسان و انسانیت را سر جای خودش بگذاریم. بعنوان محور همه چیز و به این عنوان که این انسان است که مقدس است نه عقاید. انسان است که باید احترام کامل و صد در صد، برابری و حق و حقوق داشته باشد نه عقاید مختلف یا حتی جنبش های سیاسی. این نسبیت فرهنگی و اسلام سیاسی که خود میلیتاریسم آمریکا دارد در آن نقش ایفا می کند، دارد انسانیت را از بین می برد. بالاخره سکولاریسم یک حداقلی است که برای جامعه لازم است برای اینکه حق و حقوق بیشتر و آزادیهای بیشتری داشته باشد. اگر به تاریخ هم نگاه کنید، می بینید که در خود اروپا، هر چقدر که توانسته اند قدرت مسیحیت را محدود کنند، در دوران رنسانس و روشنگری یا انقلاب فرانسه، به همان میزان هم آزادی آدم ها بیشتر شده، جامعه راحت تر شده و زندگی برای زن و مرد و بچه بهتر شده است ...

مرسده قائدی: یک تفاوتی که شما هم همواره روی آن تاکید می کنید، این است که آنزمان، روشنفکران بودند که این مبارزه را به پیش می بردند ولی الان از پایین ترین سطوح جامعه بیرون زده است. اگر ممکن است در اینمورد توضیح بدهید.

مریم نمازی: بله، مقایسه جالبی است. واقعا غول های بزرگی در دوره روشنگری بودند که آمدند و بحث های ضد مذهبی را در دفاع از انسان کردند. این واقعا کاری است که الان حزب کمونیست کارگری دارد انجام می دهد. این کاری است که باید روشنفکران، شاعران، نویسندگان و غیره در آن دخیل باشند و به یک معنا، این نباید

فقط کار اصلی یک حزب سیاسی باشد. اما شده است. عملاً این حزب است که این میباحث را بمیان آورده است. واقعیت هم آن است که انسانگرایی و خواست یک زندگی متمددانه و قرن بیست و یکمی، این یک خواست قلبی و غریزی مردم است. و این دارد خودش را در ایران، خاورمیانه و همه جا خیلی روشن نشان می دهد. اینطور بگویم که قضیه برعکس شده است! از یک طرف از پایین دارد خواستههای سکولار و انسانی میجوشد و بر این جهت گیری و خواستههای انسانی تاکید میشود، و از آنطرف هم بخش زیادی از "روشنفکران" می آیند و در مورد اسلام رفرمیست یا اسلام لیبرال و اسلام فمینیست و از این نوع چیزها صحبت میکنند. که اساساً متناقض است. نمی توانید اسلام و رفرم را با هم داشته باشید. نمی توانید حقوق اسلامی داشته باشید و حقوق انسانی هم در کنارش باشد. اینها با هم متناقض اند. این کاری است که خود جنبش اعتراضی ایران دارد انجام می دهد یعنی برای دست یابی به حقوق انسانی، مذهب را کنار میزنند. و بنظرم، جنبش کمونیزم کارگری هم دارد این کار را می کند.

مرسده قائدی: خود مردم - بااصطلاح اینها کشورهای مسلمان، مثل ایران و افغانستان و غیره، مبارزاتشان بیشتر علیه اسلام سیاسی است. اینطور نیست؟

مریم نمازی: واقعیت این است که همانطور که همیشه در اینجا می گویم، اگر می خواهید اعتراضی علیه اسلام سیاسی ببینید، بروید در کشورهای که مردم تحت قوانین اسلامی زندگی می کنند. واقعا در هیچ کجای دنیا به اندازه کشورهای اسلام زده این حد از اعتراض و نفرت از قوانین مذهبی و علیه اخلاقیات مذهبی دیده نمی شود. حتی در اروپا هم که نگاه می کنید، می بینید راست افراطی اینجا دارد به مهاجرین حمله می کند. گویا تقصیر مهاجرین است که اسلام سیاسی رشد کرده است! اتفاقاً تقصیر دولت های خودشان است.

میخواهند مسائل را بیاندازند گردن کسانی که در جوامع غرب از همه محروم ترند و خود قربانی اسلام سیاسی هستند. این جالب است! اتفاقاً اگر نگاه کنیم، در خود اروپا هم، مبارزات علیه اسلام سیاسی، علیه دادگاههای شریعه، علیه قتل ناموسی و مدارس اسلامی و علیه ازدواج های

علیه اسلام سیاسی ...

اجباری و غیره را، همین مهاجرینی دارند رهبری می کنند که اینها دارند آنها را مورد حمله قرار میدهند. اگر ماها نبودیم - واقعا - سکولاریسم خودشان عقب بود! و چیزی که همواره گفته ام، این است که درست است، جمهوری اسلامی يك انقلاب برای آزادی و برابری را سرکوب کرد و ما رشد اسلام سیاسی را دیدیم و حال، می خواهیم ببینیم آن مبارزه ای که در ایران جریان دارد، وقتی آن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را به زیر بکشند، چگونه رشد سکولاریزم و انسانگرایی در دنیا گسترش خواهد داد. بنظر من، اینبار برعکس خواهد شد. به همان حدی که اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی دنیا را سیاه کرد، برعکس این بار با انقلاب در ایران انسانگرایی در سطح جهان بجلو رانده خواهد شد. چون این واقعا يك مرکز اعتراض است. دفاع از مدرنیسم و سکولاریسم است.

مرسده قائدی: يك جنبه از فعالیت های شما که علیه اسلام سیاسی مبارزه می کنید، دفاع از حقوق زنان در تمام عرصه ها است. علیه سنگسار، برابری زن و مرد و غیره. چرا فکر می کنید مبارزه علیه اسلام سیاسی، حتما با مبارزه برای حقوق زنان همراه است؟

مریم نمازی: بنظرم اصلا نمی توانیم در مورد دادگاههای شریعه در انگلیس حرف بزنیم بدون آنکه به وضعیت ایران اشاره کنیم و یا به وضعیت افغانستان و نمی توانیم در رابطه با اینها حرف بزنیم بدون آنکه شرایط زندگی زنان را ببینیم. يك آهنگی هست که من هر وقت میخوام روحیه و انرژی بگیرم، آنرا گوش میکنم. ویدئویی است در مورد مبارزات زنان الجزایر علیه قوانین شریعه. آنجا می گوید که این قانون شریعه، کد یاس است و بگونه ای روانی، تمرکز و فشارش روی زنان است. واقعیت هم همین است. بنظر من، فعالیت علیه قوانین شریعه، فعالیت برای دفاع از حقوق زن و کودک و انسان است.

مرسده قائدی: میخوام شما را ارجاع بدهم به سخنرانی تان در روزهای ۲۴ و ۲۶ ژوئن در ایتالیا. صحبتی که داشتید، گفتید آن خواسته ها و صحبت های جنبش زنان بسیار بهم

از صفحه ۷

نزدیک شده است. چرا فکر می کنید آن فاصله ای که مثلا چهار سال پیش وجود داشت، هم اکنون کمتر شده است؟ می گفتید که حرف های همه خیلی به هم نزدیک بود. از جمله همین ویدئویی که همان حرف های شما است منتها با شعری بزبان عربی. فکر می کنید چه اتفاقی در دنیا افتاده است؟ مریم نمازی: بنظر من، حرف ما همیشه حرف اکثریت بوده است. پانزده سال پیش در يك پانلی مانع حرف زدن من شدند و گفتند این راسیسم است اگر علیه اسلام سیاسی صحبت بشود. الان خیلی گوش های شنوای بیشتر و همفکران بیشتری داریم. ما همیشه حرف اکثریت را می زدیم ولی الان - همانطور که می گویند - ما حرف هایمان را آنقدر زدم تا قبول کردند (با خند). آنقدر ما علیه نسبییت فرهنگی حرف زدیم، علیه اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا و در دفاع از انسانیت و اینکه انسان مقدس است، حرف زدیم که واقعا حالا که نگاه می کنیم، می بینیم خیلی از روزنامه نگاران، نویسندگان و فعالین در خود اروپا دارند حرف های ما را می زنند و حرف های ما تبدیل شده است به بخشی از صحبت های جامعه و مدیا. مرسده قائدی: مریم نمازی، اگر ممکن است در مورد صحبت ها و سخنرانی تان در "دوبلین" بگویید. در آنجا تمام شرکت کنندگان بلند شدند و برای شما دست زدند. چه نویسندگان و چهره هایی شرکت و حمایت کرده بودند؟ ویژگی آن سخنرانی تان چه بود؟

مریم نمازی: راستش برای خود من هم خیلی جالب بود. چهره هایی مثل "ریچارد داوکینز"، دانشمند و آته ایست مشهور و همچنین "پی یرز مایرز" که او هم نویسنده و آته ایست معروفی است، در آنجا حضور داشتند. شاید بهتر است بگویم که يك تغییری در دنیا بوجود آمده است. یا حداقل تجربه من اینطور است که الان گوش شنوای بیشتری هست. باید بگویم تمام اینها از خواص و اثرات ژورنالیسم اجتماعی افراد و شهروندان است. بگذارید اینطور بگویم که تفاوتی که ایجاد شده، این است که مثلا ده سال پیش هر چه "سی ان ان" و "بی بی سی" می گفتند، مردم دنیا باید قبول می کردند چون راهی

نداشتند که بروند ببینند واقعیت زندگی مردم در ایران و عراق چگونه است. ولی الان بخاطر "تویتر"، فیس بوک و یوتیوب، چهره ای از مردم ایران و خاورمیانه می بینند که دقیقا چفت و جور است با حرف هایی که ما می سال است داریم می زنیم. از این زاویه دیگر کسی نمی تواند بیاید و بدون آنکه خجالت بکشد، از نسبییت فرهنگی دفاع کند. اساسا به این دلیل که بسیار روشن است که آن مردم سنگسار و قوانین اسلامی نمی خواهند. می خواهند مثل همه مردم دنیا آزاد و برابر زندگی کنند. بله، خیلی فرق کرده است نوع استقبال و حمایتی که شاهدش هستیم.

مرسده قائدی: یکی دیگر از پروژه ها و عرصه های فعالیت شما، فعالیت حول سازمان "يك قانون برای همه" در انگلیس است. آیا قانون در انگلیس برای همه برابر نیست؟

مریم نمازی: واقعیت این است که برابر نیست. در خود انگلیس چندین دادگاه شریعه وجود دارد که هشت هزار زن به آنها مراجعه کرده اند و چیزی که خود زنان مسلمان در تظاهرات های ما می گویند، این است که سی و پنج سال پیش لازم نبود به دادگاههای شریعه برویم اما حالا مجبورمان می کنند برویم. همه اینها به اسلام سیاسی ربط دارد. خانمی برای من تعریف می کرد که مسلمان است اما حجاب بر سرش ندارد و در يك منطقه اسلامی تهدید به مرگ شده است به این دلیل که حجاب به سرش نمی کند. اینها همه فشارهایی است که جنبش اسلام سیاسی دارد در خود انگلیس و اروپا به زنان وارد می کند. خیلی ها در مورد اسلام سیاسی صحبت نمی کنند برای اینکه به آنها حمله میکنند که این راسیسم است. و من باید بگویم که اتفاقا راسیسم خیلی زیادی در اروپا وجود دارد! اگر به راست افراطی اروپا نگاه کنید، واقعا متوجه می شوید که هیچ فرقی با اسلامی ها ندارند. آنقدر که ضد بشر هستند و آنقدر که به حرمت انسان احترام نمی گذارند. اهمیت کار ما در همین است. برای ما خیلی مهم است که يك جنبشی را رهبری کنیم که ضد راسیسم است و بدون قید و شرط در حال نقد مذهب و اسلام سیاسی است ...

مرسده قائدی: یعنی شما هم در مقابل اسلام سیاسی هستید و هم در مقابل راسیسم ها؟

مریم نمازی: بنظر من باید همین کار را کرد. نمی شود در اروپا فقط علیه اسلام سیاسی فعالیت کرد. باید علیه راست افراطی هم مبارزه کنید. آنها هم دارند از مذهب دفاع می کنند و فقط نگرانی شان این است که مثلا اسلام دارد جای مسیحیت را می گیرد. بحث ما این است که اولایا باید از سکولاریسم دفاع کرد و هیچ مذهبی نباید نقش را داشته باشد و در ضمن، باید از جهانشمولی حقوق انسان ها و حق شهروندی شان در جوامعی که زندگی می کنند، بدون در نظر گرفتن عقاید و نژاد و غیره شان - که همه شان ساختگی هستند - دفاع کرد. يك نکته هم که می خواستم به آن اشاره کنم، این است که چیزی که این کمپین "يك قانون برای همه" به من نشان داده، این است که بسیاری اوقات مردم بخاطر چیزهایی که مستقیما و شخصا لمس کرده اند و رویشان تاثیر می گذارد، جلو می آیند و یا به میدان می گذارند. چیزی که من یاد گرفتم، این بود که کمپین علیه قوانین شریعه در انگلیس، در عین حال، يك راهی است که بتوان واقعیت زندگی مردم تحت قوانین اسلامی را به مردم نشان داد. چون برای مردم اینجا بسیار ملموس تر است و يك راه مهم تری است برای سازمان دادن يك نوع همبستگی با مردم ایران و مردم خاورمیانه.

مرسده قائدی: یعنی شما فکر می کنید این کمپین "يك قانون برای همه" کاملا به مبارزات مردم ایران و مبارزه علیه اسلام سیاسی مربوط است؟

مریم نمازی: صد در صد. اسلام سیاسی يك جنبش بین المللی است و نمی شود فقط در مورد قوانین شریعه در انگلیس صحبت کرد. این کاری است که راست ها می کنند و برایشان مهم نیست که يك زنی امکان دارد در ایران سنگسار شود. می گویند خوب، مسلمان است و حشش است. اینطور حرف می زنند ولی کمپینی که ما داریم سازمان می دهیم، یکی از راه هایی است که می شود مبارزه علیه اسلام سیاسی و دادگاههای شریعه را در انگلیس با مبارزه مردم ایران و خاورمیانه علیه اسلام سیاسی چفت داد. و بنظرم از این زاویه هم اهمیت

خیلی زیادی دارد.

مرسده قائدی: یکی از سازمانهای دیگری که شما در آن فعالیت می کنید، سازمان "اکس مسلم" است. ما می دانیم که خیلی ها حتی می خواهند مسلمان نباشند اما با فشاری که از سوی جامعه، خانواده و تهدیدی که از طرف اسلام سیاسی می شود، روبرو هستند. اهداف سازمان اکس مسلم تا چه اندازه در این جهت است؟

مریم نمازی: اولایا می خواهم این را توضیح بدهم که راستش خود من از این کلمه خوشم نمی آید! و فکر کنم "مینا احدی" هم قبلا بخودش "اکس مسلم" نمی گفت. اکس مسلم يك سازمان آته ایست است و اینطور نیست که هر کسی که از اسلام بیرون رفته و یا از مسیحیت، می تواند عضوش بشود. يك سازمان آته نیست و جزو جنبش آته ایستی است که بنظر من، خیلی مهم است در دوره ای که مذهب دارد اینطور بیداد می کند و بالینحال، بحث بر سر این نیست که يك هویت غیرواقعی دیگر بوجود بیآوریم! حالا یکی مسلمان است و یکی اکس مسلم و غیره! بحث خیلی پایه ای تر از اکس مسلم است و می دانم انتقاد زیادی شده که من هیچگاه نتوانسته ام این را توضیح بدهم و خیلی خوشحالم که این ستوال را پرسیدید. بحث بر سر این است که در دورانی که يك آدم می خواهد آته نیست باشد و نمی خواهد مسلمان باشد ولی به جرم ارتداد در میدان شهر دارش می زنند، وقتی در خود اروپا باید از خانواده اش فرار کند و مخفی شود تا بتواند بگوید من می خواهم آته نیست باشم و نمی خواهم اسلام را باور کنم، در يك چنین دوره ای، دیگر نمی توانید بنشینید و حرف نزنید. باید جلو بیایید و يك جنبشی درست کنید و به آدم ها بگویید که اولایا حقتان است که می خواهید از هر مذهبی بیرون بیایید و ثانیا هیچ دولتی و هیچ جنبشی حق ندارد کسی را بخاطر بیرون رفتن از مذهب اعدام کند یا بکشد یا بهر شکلی مورد تعرض قرار دهد. به همین دلیل سازمان اکس مسلم از این نظر خیلی اهمیت دارد. يك مثالی که فکر می کنم حمید تقوایی هم قبلا زده بود، این است که مسئله مانند همجنسگرایی است. اینکه شما با کسی سکس دارید،

در انتظار محاکمه ...

از صفحه ۱

این سخنان عبدالحسین روح الامینی نجف آبادی دبیر کل حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی، از دست اندرکاران نظام و پدر "محسن روح الامینی" یکی از قربانیان شکنجه گاه کهریزک است. او در مراسم دومین سالگرد کشته شدن فرزندش و سه تن دیگر از قربانیان کهریزک محمد کامرانی، امیر جوادی فر، رامین آقازاده قهرمانی این سخنان را به خبرنگار روزنامه اعتماد گفت. این جمله از مصاحبه اعلام بیان این نکته است که کهریزک یک پدیده عادی جمهوری اسلامی است. کهریزک نه فقط برای قاضی مرتضوی و همکارانش بلکه برای تمام دستگاه گرداننده جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا دولتیان، قوه قضائیه و مجلس شناخته شده بود. می دانستند که چه شرایطی بر آن حاکم است، چه جنایاتی در آنجا انجام می شود و می دانستند که بدون کهریزک نظام حکومت اسلامی بر پا نمی ماند. فجایع کهریزک وقتی افشا شد که از یک طرف دامن نزدیکان رژیم را گرفت و از طرف دیگر با انعکاس اخبار انقلاب ۸۸، روایات مختلف از وحشیانه ترین شکنجه ها و غیرانسانی ترین فجایع در مورد دستگیر شدگان و مخالفان رژیم بر سر زبان مردم دنیا افتاد. عبدالحسین روح الامینی در مصاحبه می گوید: "رسیدگی به پرونده این قضات انجام شد و خلع شدند. در تاریخ قضایی ایران در صد سال گذشته سابقه نداشته که دادستان مرکز کشور تعلیق شود" و گلایه می کند: "با وجود اینکه آقای مرتضوی به عنوان متهم اصلی کهریزک دارای پرونده مفتوحه ای هستند و از قضاوت تعلیق شدند... چرا به این شخص مسئولیت اجرائی داده شده. چرا که براحتم نمی توان یک قاضی را تعلیق کرد و باید پرونده مستحکمی داشته باشد تا حکم تعلیق صادر شود." سعید مرتضوی دادستان سابق تهران که نقش مستقیم در قتل فجیع صدها نفر و دستگیری هزاران نفر از مخالفان رژیم را داشته است، رئیس

شد و مدتهاست موضوع اختلافات درون رژیم شده است. رژیم در تلاش است تا پرونده کهریزک را ببندد و این بار سنگین را از دوش خود بردارد. محاکمه سعید مرتضوی بعنوان متهم اصلی جنایات کهریزک می تواند برای رژیم آخرین راه حل باشد. دادستان قبلی تهران در شرایط دشواری است. او فعلا در پناه احمدی نژاد است اما به حاشیه امن رهبر اطمینانی ندارد. برای چند سال مورد حمایت مستقیم خامنه ای بود و حتی شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه نتوانست او را برکنار کند. پس از افشای جنایات کهریزک و تحت فشار افکار عمومی خامنه ای مجبور به عزل او شد. او دستور مستقیم خامنه ای را برای انجام وظایف خود و از جمله انجام جنایات کهریزک داشت. زمانی که بعنوان قاضی دادگاه مطبوعات و وظیفه قلع و قمع کردن هر صدای مخالفی را داشت خامنه ای او را "جوانی با انگیزه و نمونه که باید سرمشق بقیه باشد" نامید. با بالا گرفتن دعوا بین باند های حکومتی سرنوشت مرتضوی نامعلوم است. قوه قضائیه پرونده مرتضوی را راکد نگاه داشته است و منتظر اشاره خامنه ای است تا در صورت لزوم آن را به جریان بیندازد و این مهره سوخته را به شکلی دور بیندازد که سایر رهبران نظام و بویژه ولی فقیه کمترین صدمه را متحمل شوند.

سرنوشت نامشخص "قاضی سعید مرتضوی" و بیم و هراس این جلااد سابق از آنچه که ممکن است همکاران سابق بر سرش آورند، می تواند موضوع زندگی هر کدام از همکاران رژیم باشد. بدون تردید او در قتل و شکنجه و آزار انسانهای بسیاری و از جمله قربانیان کهریزک نقش مهمی داشته است، اما نمی توان او را عامل اصلی دانست. عامل اصلی صدها هزار اعدام و میلیونها مورد شکنجه، ترور و زندان تنها مرتضوی و همکارانش و یا ارباب فعلی آنها خامنه ای نیستند. "عامل اصلی"، نظام و حکومت اسلامی است که برای زندگی و شخصیت و حرمت انسان ها کوچکترین ارزشی قائل نیست. استفاده از دو ساختمان صنعتی

از صفحه ۸

پا بگزارید، خوب، برای مقابله با این وضعیت مجبور میشوید خودتان بیابید و با افتخار بگویید من همجنسگرا هستم و جلوی این وضعیت بایستید. اکس مسلم به یک معنا

علیه اسلام سیاسی ...

مسئله خودتان است. خصوصی است و لزومی به علنی کردن آن در ملاء عام نیست. ولی وقتی به این دلیل که همجنسگرا هستید، مورد تعرض قرار میگیرید و دیگر نمی توانید در خیابان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۷۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, WA 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

سعید صالحی نیا ۴۰۰ دلار
تینا ۱۸۰ دلار
حمیدی ۱۲۰۰ دلار
نیما آزاده ۶۰۰ دلار

در کهریزک بعنوان زندان و شکنجه گاه به سال ۸۰ بر می گردد اما کهریزک تنها شکنجه گاه مخوف جمهوری اسلامی نیست و فجایعی که در آنجا انجام شد، همزاد جمهوری اسلامی است. این نظام، دست اندرکاران آن و

راههای مختلف مبارزه و چلنج کردن جنبش اسلام سیاسی است.

مرسده قانندی: مریم نمازی، سئوالات زیاد است چون شما در عرصه های مختلفی فعالیت می کنید اما

همینطور است. یک نوع واکنش است. می گوید خوب، می خواهی مرا بکشی، پس بیا من چلنج ات کنم. می خواهم بطور سیاسی بیرون بیایم و صحبت کنم و اجازه نمی دهم که آدم ها را بکشی به این دلیل که نمی خواهند به اسلام باور داشته باشند. همه اینها

انترناسیونال را بخوانید و وسیعا تکتیر و پخش کنید

در برابر دستگیریه‌ها و تهدید فعالین کارگری قاطعانه بایستیم

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد



محمد جراحی



شاهرخ زمانی



بهنام ابراهیم زاده



ابراهیم مددی



منصور اسانلو



رضا شهابی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

انقلاب جمهوری اسلامی توسط پیگیری روز ۳۰ خرداد بدنبال احضار به شعبه ۱۱ اجرای احکام دادگاه انقلاب دستگیر و روانه زندان شد. دادگاه جمهوری اسلامی او را بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران به ۴ ماه زندان محکوم کرده است. محمد جراحی قبلاً نیز در سال ۸۶ به جرم مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران دستگیر و در پی آن از کار اخراج گردیده بود. او در سال گذشته نیز به همین جرم دستگیر و ۴ روز بازداشت بود و سپس در قبال وثیقه از زندان آزاد گردید. محمد جراحی باید فوراً از زندان آزاد شود.

روز ۲۱ تیر ساعت ده صبح وفا قادری از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سنندج دادگاهی شد. وفا به همراه چند تن دیگر از اعضای کمیته و فعالین کارگری در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه یعنی یک روز قبل از برگزاری مراسم اول مه در شهر سنندج اداره اطلاعات این شهر احضار و پس از چند روز با قرار وثیقه آزاد شد. وفا قادری همچنین ماه گذشته همراه با یازده نفر دیگر از فعالین کارگری به اتهام شرکت در گلگشت سال ۸۸ در دفاع از کارگران زندانی، محاکمه و همراه با صدیق سبحانی یکی دیگر از این کارگران به یک سال زندان محکوم شد که این محکومیت به پرداخت یک میلیون تومان جریمه نقدی تبدیل گردید.

۷- بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک از ۲۲ خرداد سال گذشته در زندان است. جانبان اسلامی او را قبلاً به ۲۰ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم کرده بودند که بعد از اعتراضات گسترده به این حکم، جمهوری اسلامی دوباره او را در خرداد امسال محاکمه و به ۵ سال محکوم کرد. جرم بهنام دفاع از حقوق کودک و حقوق کارگران است. جرم او مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی است.

۸- رضا شهابی فعال کارگری و عضو هیات رئیسه سندیکای واحد در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. خارش های مداوم و زخم شدن پوست بدن او که در نتیجه آزمایش معلوم شده مربوط به چربی کبد است او را آزار میدهد. مسئولان زندان اقدامی برای معالجه او نکرده و تنها به انجام سونوگرافی در بهداری زندان وعده

کارگر اخراجی عسلیویه و عضو کمیته پیگیری روز ۳۰ خرداد بدنبال احضار به شعبه ۱۱ اجرای احکام دادگاه انقلاب دستگیر و روانه زندان شد. دادگاه جمهوری اسلامی او را بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران به ۴ ماه زندان محکوم کرده است. محمد جراحی قبلاً نیز در سال ۸۶ به جرم مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران دستگیر و در پی آن از کار اخراج گردیده بود. او در سال گذشته نیز به همین جرم دستگیر و ۴ روز بازداشت بود و سپس در قبال وثیقه از زندان آزاد گردید. محمد جراحی باید فوراً از زندان آزاد شود.

۳- سید بیوک سیدلر کارگر شرکت مسافری قطارهای صبا ۲۰ خرداد دستگیر و همچنان در زندان است. او را به جرم دفاع از حقوق کارگر و فعالیت های درخشان اجتماعی اش در رابطه با جوانان، دستگیر کرده اند. او فردی محبوب در میان کارگران و مردم شهرش است. از جمله فعالیت های او تشکیل انجمنی به نام انجمن سلامت است که این انجمن را وی به همراه تعدادی از دوستان خود مانند شاهرخ زمانی، و محمد جراحی حدود ده سال قبل تشکیل دادند و فعالیت های آن عبارت بود از شب شعر، ادبیات و تشکیل تیم های ورزشی. در این مدت بازداشت بیوک در سلول انفرادی بسر میبرد که همراه با شاهرخ زمانی و محمد جراحی به بند عمومی زندان تبریز منتقل گردیدند.

۴- روز چهارشنبه ۲۲ تیر بداله قطبی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی در شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سنندج دادگاهی شد. او چند روز قبل از مراسم اول ماه مه امسال به همراه سه تن دیگر از اعضای این کمیته به اداره اطلاعات احضار شد و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه از اداره اطلاعات آزاد شدند.

۵- روز سه شنبه ۲۱ تیر پدرام نصراللهی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اتهام "اجتماع و تبانی علیه نظام" در شعبه ۲ دادگاه

در دو ماهه اخیر و بدنبال اول ماه مه سرخ و با شکوه در سنندج و اعتراضات گسترده کارگران در پتروشیمی ماهشهر، بویژه با گسترش اعتراضات در محیط های کارگری، جمهوری اسلامی به فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری شدت داده است. از جمله در این مدت سه نفر از فعالین کارگری شاهرخ زمانی، محمد جراحی، سید بیوک سیدلر دستگیر و فعالین قبلاً دستگیر شده اول مه سنندج دادگاهی شده اند. این سیاست معمول جمهوری اسلامی است که همواره برای عقب راندن مبارزات کارگران و کل جامعه دستگیری و تهدید به زندان را شدت میدهد. باید با اعتراض گسترده خود به این فشارها و به این دستگیریه‌ها، این ابزار سرکوب را از دست جمهوری اسلامی گرفت.

موارد احضار فعالین کارگری و دستگیری و صدور احکام برای کارگران زندانی در دو ماهه اخیر به شرح زیر است:

۱- شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری روز ۱۷ خرداد در حالی که در حال مسافرت بود، در میانه ی راه تهران- تبریز توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتوبوس پیاده و دستگیر و زندانی شد. قرار بود جانبان اسلامی او و دو فعال کارگر زندانی دیگر محمد جراحی و "سید" را ۱۹ تیر دادگاهی کنند که این دادگاه برگزار نگردید و زمان آن به تاریخ نامعلومی موکول شد. شاهرخ زمانی در این مدت بازداشت خود زیر فشار بوده و در اعتراض به بازداشت خود دست به اعتصاب غذا زده بود که سرانجام در ۲۲ تیر پس از انتقال به زندان تبریز با درخواست دیگر زندانیان و خانواده اش به اعتصاب غذای خود پایان داد. به گفته خانواده این فعال کارگری، وی از نظر وضعیت جسمی در شرایط بدی قرار داشته و نیاز به مداوا و رسیدگی پزشکی دارد.

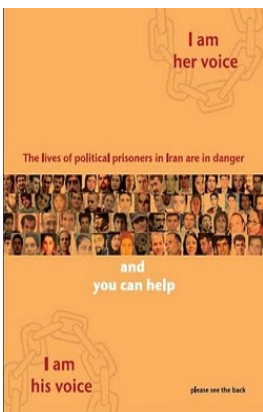
شاهرخ زمانی همچنان در زندان است. ۲- محمد جراحی فعال کارگری،

به غیر از شاهرخ زمانی، محمد جراحی، سید بیوک سیدلر و بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی از اعضای سندیکای شرکت واحد در زنداند. تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین سیاسی در تمامی عرصه های اجتماعی باید فوراً لغو شوند. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید فوراً متوقف شود.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۰ تیر ۱۳۹۰، ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۱

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127

02 Skärholmen -

Sweden

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



امام جمعه ها و لمپن های اسلامی باید بدانند که روز مرگشان بسیار نزدیک است و میلیونها زن با عدم تمکین به حجاب و قوانین اسلامی، گور این حکومت را میکنند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه زنان در ایران
سرنگون باد حکومت ضد زن اسلامی
مینا احدی
۱۷ ژوئیه ۲۰۱۱

جواب قاطع زنان و دختران ایران روبرو شده است. بی حجابی و عدم تمکین به این تصویر فرودست از زنان، پاسخ زنان در مدرسه و محله و دانشگاه و محیط کار به حکومت ستیز اسلامی است. حکومت آخوندها و پاسداران متجاوز و منفور، از دست زنان آزاده و سرکش و "بدحجاب" و برابری طلب عاصی و در مانده است.

ورق پاره فارس و سایت وابسته به آن چند روز قبل این کاریکاتور را چاپ کرد. این توهین به همه زنان در دنیا است.
ما از زنان و مردم آزاده دنیا دعوت میکنیم به این رژیم آپارتاید و زن ستیز اسلامی و به این توهین و بی حرمتی به زنان پاسخ درخور بدهند.
عمله و اگره حکومت اسلامی و

رنگ روشن و یا نداشتن چادر و عبوس نبودن و شبیه فاطمه زهرا و خواهران زینب نبودن، بند میکنند، آنها را میگیرند و جریمه میکنند و شلاق میزنند و این داستانی است که سی سال است تکرار میشود.
روزی نیست که آخوند و پاسدار و جلادی در مورد جدا سازی جنسیتی و تحقیر و توهین به شعور زنان و مردم ایران حرفی نزنند و رجزی نخوانند. تجاوز به زنان و تبلیغ تجاوز رسمی و اسلامی چیزی از سنت و سیستم اسلامی حاکم بر ایران است.
جمهوری اسلامی ایران، زن را وسیله تمتع جنسی میداند و از زنان مدرن و آزاده ایران انتظار دارد به دوران قرون وسطی برگشته و نفقه بگیرند و تمکین کنند.
البته خودشان خوب میدانند که همه این جنایات و این وقاحت، با

دیگه کافیه! بساط لمپنهای اسلامی را باید جمع کرد!

توهین ورق پاره فارس به زنان ایران

این توهین در سایت فارس چند روز قبل منتشر شد



علیه زنان رجز خوانی میکنند. گله های حزب الهی و سگهای ارشاد را روانه کوچه و بازار میکنند و به زنان و دختران بدلیل داشتن لباسهایی با

از بلندگوهای یک رژیم نفرت انگیز اسلامی، روزانه صدها بد و بیراه و فحش نثار زنان میشود، مشتاق آخوند لمپن و سادیست،

تظاهرات مخالفین رژیم اسلامی در اسلو علیه ابراز وجود جمهوری اسلامی در این شهر



سخنرانی به نروژ آماده بود مورد انتقاد شدید قرار داد.

تجمع اعتراضی مخالفین رژیم اسلامی بعد از دو ساعت با شعارهای کوبنده پایان یافت

صابر رحیمی
۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱

ایران در طول ۳۲ سال حاکمیت ننگینش مسجد امام علی را که با بودجه رژیم اداره میشود مرکز جاسوسی و پرورش تروریستها خواند و وزارت خارجه نروژ را به خاطر روابط دیپلماتیک با رژیم اسلامی و دادن ویزای سفر به جانینان رژیم از جمله موسوی یکی از روحانیون جنایتکار رژیم که برای

زندانیان سیاسی و اعدام شدگان در محل حاضر شدند و با شعارهای ضد حاکمیت جانینان اسلامی به تظاهرات پرداختند

در طول ۲ ساعت تظاهرات مخالفین رژیم تعداد انگشت شماری از جیرخواران رژیم با اسکورت پلیس در حالی که میان تظاهرکنندگان و ساختمان مسجد به وسیله پلیس نرده کشیده شده بود وارد ساختمان شدند. سفارتیها و عوامل رژیم به دلیل خبر از تظاهرات چند ساعت قبل در داخل ساختمان مخفی شده و درها را بروی خود بست بودند.

در طول تظاهرات خبرنگاران تلویزیونهای سراسری نروژ حضور داشته از تظاهرات فیلم و گزارش تهیه کردند و با برگزارکنندگان تجمع مصاحبه نمودند

صابر رحیمی یکی از مصاحبه کنندگان ضمن افشای جنایات جمهوری اسلامی در داخل و خارج

اسلو ابراز وجود کردند. در همین رابطه اعلام شد که مسجد امام علی تنها مرکزی برای اشاعه تفکرات متحجر ضد انسانی اسلامی نیست، این مسجد تنها مرکزی برای حضور و ملاقات جیره خواران با جانینان سفارتی و هجج اسلام وارداتی از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. این مرکز همچنین بنا به اقرار رسانهای رسمی و دولتی نروژ مرکزی برای جاسوسی و تروریست پروری بر علیه مخالفین جمهوری اسلامی و علیه امنیت جامعه نروژ است. این مسجد که با بودجه و بوسیله سفارت رژیم اسلامی اداره میشود بعد از سفارت مرکز اصلی فعالیت های جاسوسی و آموزش های تروریستی رژیم است

یک ساعت قبل از شروع مراسمشان جمعیت زیادی از مخالفین رژیم اسلامی با در دست داشتن پرچم و پلاکات و با پوسته های

صابر رحیمی: چند روز قبل از جمعه ۱۵ جولای با خبر شدیم که جانینان رژیم قصد دارند به بهانه تولد امام زمانشان مزدوران و عوامل خود را در نروژ جمع کرده به آنها شام دهند، برایشان به وسیله یکی از هجج اسلامی وارد شده از ایران سخنرانی کنند و نوحه بخوانند تا بلکه ابراز وجودی کرده باشند و در آخرین روزهای عمر ننگین حکومتشان به مزدورانشان روحیه بدهند. برای این منظور مکانی به اسم مسجد امام علی را انتخاب کرده بودند.

به محض پخش این خبر از طرف واحد نروژ تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری و چند جریان مخالف جمهوری اسلامی در اسلو فراخوان به تظاهرات داده شد و اعلام گردید که مخالفین رژیم اجازه نمیدهند که جانینان جمهوری اسلامی در هیچ نقطه خارج کشور از جمله در

کارگران نساجی مازندران مجددا دست به تجمع اعتراضی زدند

لغو مجازات اعدام
مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.
از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

شنبه استاندار و نماینده ولی فقیه در استان از کارخانه بازدید می کنند که کارگران به او یادآوری کردند: شنبه کارخانه تعطیل است! او وقتی این جمله را گفت که ما از شما کارگران حمایت می کنیم و مشکل شما مشکل ماست، کارگران با صدای بلند جواب دادند: پس چرا ما نتیجه نمی گیریم!؟

ابراهیمی، معاون سیاسی و امنیتی استاندار به میان کارگران معترض آمد و تلاش کرد ضمن سخنرانی، آنها را به آرامش فرابخواند. وی صحبت هایش را با تبریک ایام شعبانیه آغاز کرد که کارگران با صدای بلند گفتند: "ما تبریک می خوایم چیکار؟! ابراهیمی گفت که به دنبال مطالبات شما هستیم و از حقوق شما دفاع می کنیم، و روز

بنابیه گزارشی که سایت مازندرنومه منتشر کرده است، صبح روز ۲۲ تیر حدود ۱۰۰ تن از کارگران نساجی مازندران جلوی در اصلی استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران با سر دادن شعار پارچه نوشته ای را به همراه داشتند که در آن خواهان ۱۳ ماه حقوق معوقه شان بودند. حدود ساعت ۱۲ و نیم هادی

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

ایران، گرانی و خشم

صنم مهرانی

خمیر مجبورم بدزدم و یا گرانی تر بفروشم .

همه چیز در اینجا گران شده. عده ای میگویند فقط دعا کنید بیشتر از این گران نشود. اینطور که معلوم است در آینده نزدیک دیگر نان خالی هم گیرمان نمی آید خدا لعنت کند احمدی نژاد را که باعث این گرانی است. اینها فقط با فحش دادن به احمدی نژاد خود را آرام می کنند. در چهار ماه گذشته قیمت آب و گاز تقریباً متعادل بود مثل اینکه رژیم ترسیده سعی کرده یکی دو ماه صبر کند تا بعداً دوباره قیمت ها را بالا ببرد یعنی مثل سویاپ اطمینان عمل می کند که شاید جلوی انفجار را بگیرد. درجاده سازه نزدیک شهرک ریاط کریم در شهرک گلستان شاهد

در محکومیت سیاستهای سرکوبگرانه ... از صفحه ۱

از طرفین کشته و تعداد بیشتری زخمی شده اند.

علاوه بر این جمهوری اسلامی با بستن چند رودخانه و ممانعت از رسیدن آب به مردم مناطق مرزی کردستان عراق باعث ضرر و زیان زیادی به مردم زحمتکش این مناطق شده است که با عکس العمل اعتراضی آنها مواجه شده است. مردم دربندیخان در اعتراض به این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی، جاده اصلی ورود به داخل خاک عراق را بسته اند.

اقدام دیگر حکومت اسلامی ایران این است که فرماندهان سپاه حمزه و مقامات محلی رژیم در

دو خبر از اعتراضات کارگران در ایران

فرمانداری شهر ری دست به تجمعی اعتراضی زدند. این تجمع تا پایان وقت اداری این روز ادامه داشت. زیر فشار کارگران فرماندار ناگزیر به گفتگو با نمایندگان کارگران شده و وعده پاسخگویی به خواستههای آنان را داد. بدین ترتیب کارگران موقتاً به تجمع خود پایان دادند.

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران فولاد سازان کرج

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز ۲۱ تیر بیش از ۱۵۰ کارگر شرکت فولاد

اوضاع ایران مثل آرامش قبل از توفان است چون همه از وضع موجود عصبانی و خشمگین اند. مردم در صحبت با همدیگر در صف اتوبوس یا داخل تاکسی و مترو و غیره در مورد اوضاع با هم حرف میزنند. چندی پیش صبح زود رفته بودم نان بخرم با تعجب دیدم نانواهایی باز است و خمیر آماده ولی از پخت نان خبری نبود، از نانوا جویا شدم که چرا نان نمی پزید جواب داد پول گاز برایم آمده ۸۰۰ هزار تومان، نداشتم پول گاز را بدهم امروز اداره گاز آمد گاز مرا قطع کرد. فردا رفتم دیدم دارد نان می پزد، می گفت مجبور بودم پرداخت کنم حالا من هم از چونه

جمهوری اسلامی حمله نظامی سنگین و گسترده ای در نوار مرزی کردستان ایران و عراق آغاز کرده است. این جنگ که مستقیماً "پژاک" را نشانه گرفته است، در عین حال اهداف سیاسی دیگری را هم تعقیب میکند و از جمله قدرت نمایی نظامی برای امتیازگیری از حاکمان کردستان عراق است. اولین قربانیان این جنگ نیز مردم ساکن مناطق مرزی هستند. تاکنون در اثر توپ باران منطقه تعداد قابل توجهی از مردم زخمی و تعداد زیادی آواره شده اند. طبق گزارشات مختلف بر اثر درگیری بین پژاک و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی تا کنون دهها نفر

بودم که چند خانواده از ترس گران شدن بهای برق از کولر و تلویزیون و دیگر وسایل برقی آنقدر کم مصرف کرده اند که برایشان بسیار کم پول آمده بود. اداره آمده کنستور آنها را بررسی کرده که نکند شما دارید از برق دزدی میکیند که اینقدر پول برقتان کم آمده. شاید باورتان نشود آنها را جریمه کرده اند! بعضی از این خانواده ها قبلاً میتوانستند در نور تلویزیون شام بخورند همین امکان هم دارد از آنها گرفته میشود. در این منطقه فقر بیشتر از جاهای دیگر چهره کریه خود را نشان داده و مردم زندگی عجیبی دارند.

پول آب در حال حاضر سه برابر گذشته شده است. برق هم همینطور. نان قیمتش ۵۰۰ تومان است. سنگگ کوچک شده و حالت فانتری به خودش گرفته و قیمتش ۵۰۰ کردستان ایران از احزاب حاکم بر کردستان عراق خواسته اند که اپوزیسیون مسلح جمهوری اسلامی مستقر در کردستان عراق را خلع سلاح کنند. گفته شده است مذاکراتی برای عملی کردن این خواستها بین نمایندگان حکومت اسلامی و حکومت محلی کردستان عراق انجام گرفته و با توجه به روابط حسنه این دو حکومت این نگرانی وجود دارد که فشار به اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این منطقه تشدید شود.

جمهوری اسلامی میخواهد در کردستان عراق با اتکا به ترور و قلدنمنشی، با مسلح کردن نیروهای مرتجع اسلامی و با بند و بست با دولت عراق امتیاز بگیرد، با

تومان است. لواش بسیار نازک در حد یک لقمه بزرگ دانه ای ۱۲۵ تومان. اجاره خانه ها نسبت به سال گذشته سه برابر شده اکثر مردم از ترس گرانی مسکن در همان خانه ای که نشسته بودند تکان نخوردند چون در غیر اینصورت باید پورسانت بنگاه املاک را می دادند و برایشان یک خرج اضافه بود. کرایه حمل و نقل با کامیون هم خیلی بالا رفته قبلاً برای اسباب کشی با کامیون اگر ۲۰ هزار تومان میدادیم الان حداقل باید ۱۰۰ هزار تومان بدیم. کارگر هم باید بگیرد که به ۲۰۰ هزار تومان می رسد. به همین نسبت قیمت همه کالاها اساسی بالا رفته و دولت تلاش میکند مردم را به ریاضت بیشتر عادت دهد. روغن ۵ کیلویی در تاریخ ۲۲ تیر امسال ۱۳ هزار تومان شکر کیلویی ۱۵۰۰ تومان،

جریانات اپوزیسیونی که در این منطقه مستقر هستند مقابله کند و در عین حال نقش و جایگاه مهمتری در عراق بدست آورد. اقدامات جمهوری اسلامی جنگ افروزان است، علیه مردم هر دو کشور است، برای زهر چشم گرفتن از مردم ایران و مشخصاً کردستان است و باید از جانب همه جریانات اپوزیسیون و همه مردم آزادیخواه در ایران و عراق و در سراسر جهان محکوم شود و مورد اعتراض قرار گیرد.

ما اقدامات سرکوبگرانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی علیه مردم عراق و سیاست جنگ افروزانه آنرا بشدت محکوم میکنیم و از همه مردم دعوت میکنیم ضمن اعتراض به این جنایات، مبارزه برای خود را به پیش بردند و از میان خود ۴ نماینده انتخاب کرده و اعتراض خود را به مراجع دولتی مختلف و ادارات کشاندند. بدنبال این

سازان کرج واقع در شهرک صنعتی صفا دشت که بخاطر عدم دریافت ۴ ماه دستمزد خود دست به اعتصاب زده بودند، با موفق شدن به دریافت طلبهایشان به اعتصاب خود خاتمه دادند. این اعتصاب از ۲۸ خرداد شروع شده و طی این مدت کارگران هر روز خود را با سرویس به محل کار میرسانند اما تولید را متوقف کرده بودند و با اعتصابی متحد اعتراض خود را به پیش بردند. در این حرکت اعتراضی کارفرما بارها و بارها کارگران را مورد تهدید قرار داد، وعده و وعید داد، آنها را زیر فشار گذاشت که تجمعات اعتراضی برپا نکنند، اما کارگران همچنان اعتراض

شیر دو روز است که یارانه اش حذف شده و از ۳۵۰ به ۶۰۰ تومان رسیده است. سیب زمینی کیلویی ۱۱۰۰ تومان. قدرت خرید مردم بسیار پایین آمده و بازار بسیار کساد است. من خودم در گوشه خیابان و یا در بازارچه ها لباس می فروشم و میبینم که چقدر قدرت خرید مردم پایین است. یک تجربه از برخورد مردم برایاتن تعریف کنم. بارها اتفاق افتاده که خانمی آمده کنار بساط من و پرسیده چند میفروشی، گفتم چی میخواهی، دوباره حرفش را تکرار میکند. گفتم عزیزم فقط قیمت میکنی اصلاً بگو چه میخواهی. آنها گیجند، یک نگاه کلی به جنس می اندازند و دلشان میخواهد بخرند ولی نمیتوانند. تمام کاسبها دارند از کساد بازار مینالند و به اوضاع لعنت میفرستند.

سرنگونی این حکومت را گسترش دهند. جمهوری اسلامی در بحرانی لاعلاج به سر میرسد، باید با تمام قوا برای سرنگونی آن بپاخاست. در عین حال اعلام میکنیم که هر نوع نظامی گری از سوی هر نیرو و جریانی به زیان مبارزه آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوده و فضا را برای سرکوب و جنایت توسط حکومت اسلامی بیشتر فراهم میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ تیر ۱۳۹۰، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱

اعتراضات متحد سرانجام کارگران شرکت فولادسازان کرج بعد از ۲۵ روز اعتصاب توانستند کارفرما را عقب زنند و طلبهایشان را نقد کنند.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!